غدیر

در بیانات مقام معظم رهبری مدظله

ولایة علی ابن ابی طالب

حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی

بسم الله الرحمن الرحیم

غدیر در بیان مقام معظم رهبری

نویسنده:

آیت الله سید علی خامنه ای

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

غدیر در بیان مقام معظم رهبری " مد ظله العالی "

مشخصات کتاب

سرشناسه: خامنه ای علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران ۱۳۱۸ Khamenei،Ali.

عنوان و نام پدیدآور: غدیر در بیان مقام معظم رهبری " مد ظله العالی " /تهیه و تنظیم حسین احمدی.

مشخصات نشر: قم: مسجد مقدّس جمکران، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۸۷ ص

شابک: ۰ - ۲۴۸ - ۹۷۳ - ۹۶۴ - ۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: خامنه ای علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - - نظریه درباره غدیر خم

موضوع: Khamene'i،Ali، Leader of IRI، ۹۳۹۱ - -- Views on Day of Ghadir Khum

موضوع: خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - - - پیامها و سخنرانی ها

موضوع: ۹۳۹۱ ،Khamene'i، Ali Leader of IRI Messages Speech - - -

موضوع: غدیر خم

شناسه افزوده: احمدی، حسین، ۱۳۴۱ -

شناسه افزوده: مسجد جمکران (قم)

رده بندی کنگره: ۱۳۸۸ ۴غ ۴غ / ۱۶۹۲DSR

رده بندی دیویی: ۰۸۴۴۰۹۲/۹۵۵

شماره کتابشناسی ملّی: ۱۸۸۰۰۳۸

ص:۱

اشاره

مقدمه

غـدیر برکه نیست، اقیـانوس بی کرانی است که در زلاـل همـاره جاری آن طهارت روح میسـر و حیات طیبه انسانی ممکن می شود.

غـدیر یک حادثه نیست، مؤلفه ای از هنـدسه طرح ریزی شده هستی است که انتهای خط رسالت را به امتداد ضـرورت هدایت پیوند می زند.

غدیر یک معرفی نیست، تجسم عینی تمامیت معرفت ممکن الحصول انسان است که از زبان وحی به آدمی ارزانی می شود.

غدیر نقطه آشکار ساز پیوند بی گسست نبوّت و امامت است.

غدیر بیانگر فلسفه سیاسی اسلام و اعلان رسمی شاخصه های تشکیل دهنده حکومت الهی و مقایسه آن با سایر انواع حکومت ها است.

غدیر پیام نور است و عدالت، پاکی است و تقوی و علم است و بصیرت.

و غـدیر تصویرگر نظامی است که بر مبنای دسـتور الهی با هـدف تعالی انسان و انسانیت، نوید دستیابی به جامعه ای خدایی را نوید می دهد.

و خداونـد در روزی بی نظیر دین را تکمیـل و نعمت خویش را بر مؤمنین تمـام و کـافران را مـأیوس نمود. در غـدیرخم پیامبر گرامی اسـلام صلی الله علیه وآله بنا به فرموده «بَلِّغْ ما أُنزِلَ إِلَیْکَ» رسالت خویش را ابلاغ کردند و حضرت علی علیه السلام را به عنوان ولی المؤمنین معرفی کردند.

در مختصات چند بعدی وجود مقدّس او میل به بی نهایت می کرد. همان که برای رسول اللَّه صلی الله علیه وآله «کالصنو من الصنو و الذراع من العضد» بود. او که در پیروی دقیق و کامل از رسول اللَّه صلی الله علیه وآله چون «فصیل اثر امه» گام بر می داشت و او که برادر، نخستین ایمان آورنده و بزرگ ترین حامی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله بود، به امامت امّت منصوب شد.

امام علی علیه السلام مجمع غیرقابل تکرار همه ارزش ها و فضیلت ها، میزان الاسلام، قرآن مجسم و در یک کلام حدّ اعلای مقام عبد اللهی بود و این عظمت و عزّت خود دل های آدمیان را به سوی او جذب می کرد و چه کسی سزاوارتر از او به جانشینی پیامبر؟

دل های پاک، عاشق و خدا خواه، ذهن های جستجوگر آزادگی و انسانیت، کام های تشنه عدالت و چشم های بینا به سوی او متمایل بود. آیات بسیاری از قرآن کریم و تصریحات و اشارات فراوان رسول اللَّه بر قطعیت اراده الهی مبنی بر ولایت او گواهی می داد امّا غدیرخم عرصه ظهور و بروز حجتی قاطع و نقطع ختم تمامی تردیدها و تشکیک های احتمالی و عرصه ابلاغ پیامی تاریخ ساز و انسان آفرین برای همه عصرها و نسل ها بود.

نقاط عطف تاریخ به نسبت گستره زمان و مکان، نوع، میزان و جهت تأثیرگذاری در حیات فردی و اجتماعی بشر اهمیّت و ارزش در خور خود می یابند و غدیر از این جهت جز با اصل نبوّت و نیز بعثت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله با هیچ برهه ای از تاریخ و با هیچ حادثه عظیمی قابل مقایسه نیست. اعلام انتصاب شخصیتی بی نظیر به منصب ولایت، تعیین گزینه ای بی بدیل و با فاصله ای غیر قابل تصور از سایرین، به عنوان جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و آغاز دوره ای نوین در زندگی بشر که امامت امتداد نبوّت می شود،

تعیین تکلیف مردم، تبیین حکومت، سیاست و نوع اداره جامعه پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله و اعلام ارزش ها و فضایلی که مدیران و رهبران جوامع باید واجد آنها باشند، حاکی از اهمیّت ارزشمندی و والایی غدیر و تأثیر عظیم آن در زندگی بشر بوده و هست. و بر همین اساس روز غدیر عید اللّه اکبر است.

گرامیداشت غدیر بزرگ شماری یک روز تاریخی نیست، بلکه فریاد کردن دوباره آرمان ها، تمسک دوباره به حبل المتین هدایت، اعلام وفاداری و تعلق گسست ناپذیر به خط نبوّت و ولایت، افتخار به شیعه علی بودن و نشان دادن تنها طریق دستیابی به عزّت، عدالت، کرامت و نجات است. و این است که در دوران حاضر که انقلاب اسلامی با رهبری الهی امام خمینی رحمه الله و سپس هدایت و سکانداری مقام معظم رهبری، از برکت غدیر و در راستای اهداف آن دوباره پرچم ولایت علوی در سراسر جهان به اهتزاز درآورده است، بیان حقیقت غدیر، طرح پیام یا مجموعه پیام های غدیر، توسعه فرهنگ غدیر و گرامیداشت غدیر وظیفه ای اسلامی، انقلابی و انسانی است و این واقعیتی است که قدر غدیر هنوز ناشناخته است.

مجموعه حاضر گزیده ای از بیانات مقام معظم رهبری، حضرت آیت اللّه خامنه ای (مدظلّه العالی) پیرامون ابعاد مختلف عید سعید غدیر است که می تواند به توسعه و تعمیق معرفت نسبت به عید اللّه الاکبر بینجامد. ان شاء اللّه.

الحمدللّه الّذی جعلنا من المتمسکین بولایه علی بن ابی طالب علیه السلام

مدیر مسؤول انتشارات مسجد مقدّس جمکران

و دبیر اجرایی بنیاد بین المللی غدیر استان قم

حسین احمدی

ص:۹

گزیده بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با هیئت امنای بنیاد بین المللی غدیر

۱. خیلی متشکرم از برادران عزیزی که برای بزرگداشت غدیر بنیادی تشکیل داده اند و تلاش هایی شروع کرده اند.

۲. کارهایی که به عشق علی علیه السلام انجام گیرد دل ها را جذب می کند.

۳. همه دنیا ما را با نام علی علیه السلام می شناسند.

۴. در کار غدیر باید هدف را مشخص کرد. بنشینید و واقعاً روی مسائل فکر کنید، برای این کار وقت بگذارید.

۵. در کار فرهنگی غدیر باید مانند علّامه امینی و مرحوم سیّد شرف الدینی کار کرد که الغدیر و المراجعات را تحویل دادند.

۶. تلاش و مبارزه فرهنگی قوی برای مقابله با تلاش های فرهنگی ضد شیعه یک ضرورت است.

۷. کتاب الغدیر مهجور است باید به دنیا معرفی شوند، الغدیر شامل صدها موضوع و کتاب است.

۹. موضوعات و مطالب الغدیر باید به صورت جزوه و کتاب مستقل در بیاید و همه عالم را پر کند.

۱۰. ببینید امروز مخاطبین تان چه کسانی هستند؟ نسل جوان را در نظر

ص:۱۱

بگیرند. خطبه ها و سخنان علی علیه السلام را باید به شکل مناسب و قابل فهم به صورت موضوعی و دسته بندی در اختیار جوانان و سایر طبقات قرار داد.

۱۱. کار با فکر و برنامه انجام بگیرد و واقعاً یک کار درست و حسابی به نام مبارک امیرالمؤمنین علی علیه السلام بشود.

۱۲. کسانی به درد کار غدیر می خورند که اهل این کار باشند و کار در مورد غدیر باید عمیق و گسترده باشد.

۱۳. کار در موضوع غدیر باید پیوسته و دائم باشد و در مورد غدیر باید متخصص تربیت کرد.

۱۴. کار در مورد غدیر باید یک منظوره باشد (فقط غدیر)

۱۵. کار مربوط به غدیر، کاری بزرگ و پر جاذبه است.

۱۶. ان شاء اللّه خدای متعال به شما توفیق بدهد این کار بزرگ، خوب و پر جاذبه را انجام دهید.

ص:۱۲

معنای غدیر

تلاش هایی که انسان ها می کنند، بعضی مربوط به مسائل شخصی آنهاست که بخش کوچک تری از فعالیت های انسانی را شامل می شود – مثل معیشت و معنویت و عواطف و ارتباطات شخصی آنها با این و آن – امّا بخش بزرگ تر فعالیت های انسانی، فعالیت هایی است که در صحنه جامعه با تلاش جمعی صورت می گیرد، که به آن «سیاست» می گویند؛ سیاست های اقتصادی، سیاست های اجتماعی، سیاست های نظامی، سیاست های فرهنگی، سیاست های مدنی، سیاست های بین المللی. اینها بخش عمده تلاش انسان ها در زندگی خود است.

چرا عمده است؟ چون این سیاست ها در واقع افراد را در فعالیت های شخصی خود به سمت و سوی خاصّی می کشاند. عمده تلاش انسان، تلاش کلانی است که جهت گیری های کلّی فعالیت های شخصی و ریز و کوچک را هم جهت می دهد. دین، به هر دو صحنه مربوط می شود؛ هم صحنه تلاش های فردی انسان، هم صحنه سیاست که صحنه بسیار گسترده و وسیعی برای زندگی انسان است.

دو آفت، هم دینداری را تهدید می کند و هم سیاست را. یکی از آفت های دینداری این است که دینداری یک جامعه یا یک شخص، با انحراف یا بی مبالاتی یا تحجّر و جمود یا فراموش کردن نقش عقل یا التقاط و از این

چیزها همراه شود. آفت دیگر دینداری این است که دین به زندگی شخصی محدود شود؛ عرصه وسیع زندگی جمعی انسان ها و جامعه را فراموش یا درباره آن سکوت کند و از آن کناره بگیرد.

دو خطر هم سیاست را تهدید می کند: یکی این است که سیاست از اخلاق فاصله بگیرد و از معنویت و فضیلت خالی شود؛ یعنی شیطنت ها بر سیاست غلبه پیدا کند؛ هواهای نفسانی اشخاص، سیاست را قبضه کند؛ منافع طبقات زورگو و زر سالاران جوامع، سیاست را به دست گیرد و به این سمت و آن سمت بکشاند. اگر این آفت به سیاست خورد، آنگاه همه صحنه اجتماعی انسان ها دچار عیب و آفت می شود. آفت دیگرِ سیاست این است که انسان های کوته بین، کودک منش و ضعیف، سیاست را در دست گیرند و زمام سیاست از دست های پُر قدرت خارج شود و به دست انسان های بی کفایت بیفتد.

راهکار چیست؟ بهترین شکل و راهکار این است که در رأس سیاست و اداره امور جوامع، کسانی قرار گیرند که دینداری و سیاستگذاری آنها این دو آفت را نداشته باشد؛ یعنی کسانی اداره امور جوامع را برعهده گیرند که دیندار و دارای معنویّت باشند؛ فکر دینی آنها بلند باشد؛ از انحراف و خطا و التقاط و کج بینی در دین مصون باشند؛ از تحجّر و جمود و متوقف ماندن در فهم دین برکنار باشند؛ دین را ملعبه دست زندگی خود نکنند؛ از لحاظ سیاست، انسان های باکفایت و با تدبیر و شجاعی باشند و سیاست را از معنویت و اخلاق و فضیلت جدا نکنند.

چنین کسانی اگر زمام امور یک جامعه را به دست گرفتند، آنگاه جامعه از بیشترین خطراتی که ممکن است برای آن پیش بیاید، محفوظ خواهد ماند. اوج چنین وضعیّتی کجاست؟

ص:۱۴

آنجاست که یک انسان معصوم از خطا و اشتباه در رأس قـدرت سیاسـی و دینی قرار گیرد. امام یعنی این. امام معصوم، انسان والایی است که از لحاظ دینی، قلب او آیینه تابناک انوار هدایت الهی است؛ روح او به سرچشمه حتی متصل است؛ هدایت او، هـدایت خـالص است؛ از لحـاظ اخلاق انسانی، رفتار و اخلاق او صـد در صـد همراه با فضـیلت است؛ هوای نفس در او راهی نـدارد؛ گناه بر او چیره نمی شود؛ شـهوت و تمایلات انسانی، او را مغلوب خود نمی کند؛ خشم و غضب، او را از راه خدا دور نمی کند؛ از لحاظ سیاسـی، بینش وسیع او آنچنان است که آرام ترین حرکات و ریزترین حوادث را در صحنه زندگی جامعه، با چشم تیزبین خود می بیند - که امیرالمؤمنین (علیه الصـلاه و السلام) فرمود: «واللّٰه لا اکون کالضبع تنام علی طول اللدم؛ یعنی من کسـی نیسـتم که بشود بـا لالایی او را خواب کرد» - در مواجهه با حوادث زنـدگی و وقایع کمرشـکن، از خود شـجاعت و اقتـدار روحی و معنوی نشان می دهـد؛ جانش برای او ارزشـی ندارد، امّا برای جان انسان ها، حتی مردم دوردست، حتی زنانی که جزو پیروان دین نیستند، ارزش قائل است و می گوید اگر کسی از غصّه دق کند، حقّ دارد.

امیرالمؤمنین (علیه الصـلاه و السـلام) در مقابله با خطرها آنچنان شجاعانه عمل می کند که می گوید کسی نمی توانست با فتنه ای که من چشم آن را در آورم - منظور، فتنه خوارج است - یـا فتنه ناکثین در افتـد. آن معنویّت و دین و اخلاق و فضـیلت از یـک طرف، آن بینش عمیـق و شـجاعت و فـداکاری و عواطف رقیق انسـانی در کنـار صـلابت و اسـتحکام معنوی و روحی از طرف دیگر؛ همه اینها ناشـی از عصمت است؛ چون خدای متعال او را به مقام عصمت برگزیده است و گناه و اشتباه در کار او وجود ندارد. اگر چنین کسی در رأس جامعه باشد،

اوج مطلوب همه رسالت هاست. این معنای غدیر است. در غدیر، چنین کاری اتفاق افتاد.(۱)

راه تمسک حقیقی به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام

اگر ما هم بخواهیم حقیقتاً از متمسکین به ولایت امیرالمؤمنین باشیم، باید خودمان و محیط زندگی مان را به عدل نزدیک کنیم. بزرگ ترین نمونه این است که هرچه بتوانیم، استقرار عدل کنیم. چون دامنه عدالت نامحدود است.

هرچه بتوانیم عدل را در جامعه بیشتر مستقر کنیم، شباهت ما به امیرالمؤمنین و تمسک ما به ولایت آن بزرگوار بیشتر خواهد شد.(۲)

شهر الولایه

علّت اهمیّت غدیر، مسأله ولایت است. در این ماه - ذی حجه الحرام - هم عید غدیر را داریم و هم روز مباهله را که آن هم اشاره روشنی به مسأله ولایت است. به خاطر این دو خاطره - که هر دو مربوط به ولایت است - بعضی از بزرگان، این ماه را «شهر الولایه» و افضل ماه ها دانسته اند.(۳)

۱- ۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در سال روز عید سعید غدیرخم ۲۴/۱۲/۱۳۷۹.
۲- ۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام به مناسبت عید غدیرخم ۱/۱۲/۱۳۸۱.
۳- ۳. سخنرانی در دیدار با جمعی از علما، مسؤولان و مردم شهرهای لاهیجان و رباط کریم، جمعی از دانش آموزان و فرهنگیان استان های تهران و کرمان و مازندران، رئیس و مسؤولان سازمان ثبت احوال، جمعی از مسؤولان و مدیران سازمان مسکن ۰۴/۱۱/۱۳۶۸.

عیدی بزرگ تر از سایر اعیاد

عید غدیر، حقیقتاً یکی از عظیم ترین اعیاد اسلامی است و بنابر بعضی از روایات، بزرگ تر از اعیاد دیگر است و در این باب که فضیلت عید غدیر نیست به دیگر اعیاد، چقدر افزون تر است، روایات معتبری هم داریم.(۱)

غدیر، عیدی حقیقی

مسأله غدیر؛ یعنی گزینش علم و تقوا و جهاد و ورع و فداکاری در راه خدا و سبقت در ایمان و اسلام و تکیه روی اینها در تشخیص و تعیین مدیریت جامعه. این قضیه، یک قضیه ارزشی است. به این معنا، غدیر نه برای شیعیان، بلکه برای همه مسلمانان، آموزنده و حاوی درس است و می تواند مورد تجلیل و تکریم قرار بگیرد. عید غدیر، حقیقتاً برای مردم عید است؛ چون به یاد آورنده یک امر حساس و مهم است.

امروز گرفتاری های عمده ملّت ها در دنیا، گرفتاری ناشی از مدیران و دست های گرداننده جامعه است. آنها فاسدند که فساد در دولت ها، ریشه همه ارزش ها و اصالت ها را می کند و از بین می برد. آنها فاسدند که ملّت ها،

ذلیل و برده و نوکر صفت بار می آیند. آنها فاسدند که قدرت های شیطانی، بر ملّت هایشان تسلط پیدا می کنند. آنها فاسد و بی بند و بارند که در متن جوامع شان، ایمان به کلی رخت بر می بندد. امروز، این بلای عمومی جوامع غربی است؛ بلای بی ایمانی و سردرگمی و عدم تکیه روحی به یک نقطه

ص:۱۷

---

۱ - ۴. سخنرانی در دیدار با جمعی از علما، مسؤولان و مردم شهرهای لاهیجان و رباط کریم، جمعی از دانش آموزان و فرهنگیان استان های تهران و کرمان و مازندران، رئیس و مسؤولان سازمان ثبت احوال، جمعی از مسؤولان و مدیران سازمان مسکن ۰۴/۱۱/۱۳۶۸.

مطمئن و بقیه انواع فساد هایی که در دنیا هست. چیز خیلی خطرناک و بلای بزرگی است و همین نقطه، جوامعی را که به آن دچار هستند، به باد فنا خواهد داد. این ظواهر، تعیین کننده نیست. این مهم است که آحاد یک ملّت، بر گرد یک محور ایمانی جمع نشده باشند.

نقش غدیر در مدیریت جوامع انسانی

البته آقایان و به خصوص مسؤولان، این نکته را توجّه داشته باشند که اگر ما بر نقش مدیریت و سرپرستی در جامعه اسلامی تکیه می کنیم و آن را تعیین کننده معرفی می نماییم، با یک گزینش، قضیه تمام نمی شود. اینطور نیست که یک شخص، در رأس برگزیده بشود و شرایط لازم را داشته باشد، بعد دیگر همه چیز به خودی خود، حل خواهد شد. تأثیر مدیران بالا در سرنوشت جامعه هم تا حدود زیادی از این جهت است که مدیر برتر و بالاتر، این قدرت را دارد که دست ها و ایادی چرخاننده چرخ های کشور را سالم انتخاب بکند؛ یعنی سلامت آنها، جزو سلامت دستگاه حکومت است.

وقتی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه الصلاه و السلام) در رأس حکومت قرار می گیرد، تمام شاخه های مدیریت در جامعه، به طرف صلاح حرکت می کند؛ به طوری که اگر یک توشه از مجموعه این دستگاه مدیریت، ناسالم و ناپاک و غیر منطبق با معیارها باشد، برای قطع و قلع و قمع آن، امیرالمؤمنین علیه السلام جنگ چندین ماهه را بر خودش هموار می کند.

یعنی مجموعه دستگاه مدیریت کشور، باید علوی باشد.

آن دستگاهی که حکومتش به شکل ولایت است، ارتباط بین ولی و مردم، غیر قابل انفکاک می باشد. ولایت، یعنی سرپرستی، پیوند، ارتباط، اتصال، به

هم پیچیده شدن دو چیز، به هم جوشیدگی و به هم پیوستگی کسانی که با یکدیگر ولایت دارند. معنا و شکل و مفهوم ولایت در جامعه و نظام اسلامی، این است. از این جهت، در جامعه اسلامی، کلمه ولایت به حکومت اطلاق می شود و رابطه بین ولی و مردم، یک رابطه ولایتی است و ارتباط و اتصال آنها، غیر قابل انفکاک می باشد و تمام اجزای این جامعه، با یکدیگر متصلند و از هم جدا نیستند. قضیه، مثل دستگاه های سلطنت، دستگاه های قدرت و کودتاچی هایی که بر یک جامعه مسلط می شوند، نیست.

در جامعه اسلامی، دستگاه مدیریت و حاکمیت جامعه، همه و همه، متکی به مردم، جزو مردم، همراه با مردم، متصل به مردم - به تمام معنای اتصال - هستند و جدا نیستند. آنجایی که دستگاه های حکومت، به راهی می روند و مصالح مردم، به راه دیگری، به خاطر همین احساس جدایی است. مصالح دستگاه حاکم، یک چیز است؛ مصالح مردم، یک چیز دیگر. مصالح دستگاه حاکم، پیوند با آمریکا و قدرت های مسلط و استعمارگران و غارتگران منابع نفتی و این چیزهاست - همچنان که در دوران رژیم منحوس پهلوی، در کشور ما بود و امروز در خیلی از کشورهای دیگر هست - مصالح مردم، یک چیز دیگر است. مصالح مردم در این است که آن دستگاه حاکم و آن نوکران و پیوستگان بیگانه را از سر راه کمال خودشان بردارند. مصالح این دو، به کلی در دو جهت قرار دارد. لیکن در نظام اسلامی، اینطور نیست. در نظام اسلامی، حاکم، ولی و دوست و سرپرست و برادر و مرتبط و برای مردم است.

این، یکی از افتخارات جمهوری اسلامی است که توانسته ولایت اسلامی را پیاده کند. ما هنوز نتوانسته ایم خیلی از احکام اسلامی را به طور کامل

تحقق ببخشیم. یک جامعه، به طور کامل اسلامی بشود، زمان زیادی لازم است؛ لیکن بحمداللّه مسأله حکومت و ولایت، در جامعه اسلامی ما تحقق بخشیده شد. شکل اسلامی، علی رغم طرد و نفی و بغض و عناد قدرت های جهانی، در جامعه ما پیاده شد. دشمنان اسلام، مخالفت هم کردند؛ امّا بحمداللّه روز به روز در جامعه ما، ثابت تر و درخشان تر و ماندگارتر شده است.

ما مسؤولان وظیفه داریم که ولایت الهی و اسلامی را در جامعه خودمان، در شکل پر جاذبه آن، برای انسان های مشتاق و محروم، هرچه بیشتر تحقق ببخشیم. قدم اوّل این است که از راه مردم جدا نشویم و فراموش نکنیم که همین مردم، پا برهنگان، طبقات ضعیف، این کسانی که در معیارهای مادی جوامع، چیزی به حساب نمی آیند، صاحبان اصلی کشورند و پیروزی های این انقلاب و این کشور و عزّت ایران، به خاطر فداکاری های آنان به دست آمده است. فراموش نکنیم که این مردم بودند که اسلام را برای این کشور الهی و اسلامی خواستند و اراده کردند و آن را تحقق بخشیدند. از مردم جدا نشوید.(۱)

غدیر، عید ولایت، سیاست و دخالت مردم در حکومت

امام راحل بزرگوار ما، بزرگ ترین حقّ را از این ناحیه به گردن امّت اسلامی دارد که آحاد مردم را به مسؤولیت خودشان که دخالت در امر حکومت است، متنبّه و واقف کرد. از این روست که در نظام اسلامی، هر کس متدیّن به عقیده و شریعت اسلامی باشد، در امر حکومت دارای مسؤولیت است. هیچ کس نمی تواند خود را از موضوع حکومت کنار بکشد، هیچ کس

---

۱ – ۵. سخنرانی در دیدار با جمعی از علما، مسؤولان و مردم شهرهای لاهیجان و رباط کریم، جمعی از دانش آموزان و فرهنگیان استان های تهران و کرمان و مازندران، رئیس و مسؤولان سازمان ثبت احوال، جمعی از مسؤولان و مدیران سازمان مسکن ۰۴/۱۱/۱۳۶۸.

نمی توانـد بگویـد: «کاری انجام می گیرد؛ به من چه؟!» در موضوع حکومت و مسائل سیاسـی و مسائل عمومی جامعه در نظام اسلامی، «به من چه» نداریم! مردم برکنار نیستند. بزرگ ترین مظهر دخالت مردم در امور حکومت، غدیر است. خودِ غدیر این را به ما آموخت و لـذاست که عیـد غـدیر، عید ولایت است، عید سـیاست است، عید دخالت مردم در امر حکومت است، عید آحاد ملّت و امت اسلامی است. این عید، مخصوص شیعه هم نیست. جا دارد و حق آن است که همه امّت اسلامی، این روز را برای خودشان عید بدانند. غدیر، عید امیرالمؤمنین (علیه الصـلاه و السـلام) هم هست و شیعیان آن حضرت، به طور ویژه از این عید استفاده می کنند.(۱)

غدیر، امضا و اثبات فضایل و ارزش های امیرالمؤمنین

در روز غدیر، این حرکت عظیمی که طبق روایات متواتره، به وسیله نبی اکرم صلی الله علیه وآله انجام شد، دارای ابعادی بود. البته یک بعـد، فضـیلت امیرالمؤمنین بود. مردم هم می دانسـتند و از نزدیک این فضایل را در آن بزرگوار مشاهـده می کردند. پیـامبر اکرم، و در واقع اراده الهی هم همـان فضایل و ارزش ها را معتبر دانست و براساس آن ارزش ها، ولایت و حاکمیت بعد از پیامبر را تعیین کرد. معلوم شـد آن کسـی می توانـد در مرتبه حکومت بر مسـلمین قرار بگیرد، که دارای آن ارزش ها باشد. لازم نبود که پیامبر اکرم، فضایل امیرالمؤمنین را در آن روز بیان کند؛ مردم می دانستند.

«ابن ابی الحدیـد» می گویـد: فضایـل علی بن ابی طـالب به طوری در آن روز برای مردم واضـح بود که بعـد از رحلت پیـامبر، احدی از مهاجران و اغلب

۱- ۶. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، به مناسبت «عید غدیر» ۱۸/۲/۱۳۸۳.

انصار شک نداشتند که مسأله خلافت بر علی قرار خواهد گرفت؛ یعنی در نظر آنان جزو مسلمات بود. در موارد دیگر، خود رسول اکرم هم راجع به امیرالمؤمنین چیزهای زیادی فرموده است. آنچه از طرق ما شیعیان و نیز از طریق اهل سنّت روایت شده، متواتر است. خیلی از فضایل را به شکل متواتر، هم شیعه و هم سنی روایت کرده اند؛ مخصوص شیعه نیست. حتی یکی از مورخان قدیمی مشهور - «ابن اسحاق» صاحب سیره معروف - می گوید: پیامبر به امیرالمؤمنین فرمود: اگر بیم این را نداشتم که مردم در باب تو حرف هایی بزنند که پیروان عیسی درباره او زدند، چیزی را درباره تو می گفتم که هرجا عبور می کنی، مردم خاک زیر پای تو را به عنوان تبرّک بردارند.

این روایت شاید از طرق شیعه هم نقل شده باشد؛ من ندیده ام.

«ابن ابی الحدید» از «ابن اسحاق» نقل می کند؛ یعنی کسانی که معتقد به نصب امیرالمؤمنین هم نیستند امّا این حرف ها را در فضایل آن حضرت دارند.

این، یک بعد واقعه غدیر است؛ یعنی امضاء و اثبات فضایل و اینکه این فضایل و ارزش ها، به حکومت و به این ارزش قراردادی در جامعه اسلامی منتهی می شود. این بعد، بعد بسیار مهمی است و معلوم می شود که در اسلام، طبق دید پیامبر و وحی الهی، حکومت تابع ارزش هاست؛ تابع چیزهای دیگر نیست. این خود، یک اصل اسلامی است.(۱)

غدیر، نتیجه فضایل و کمالات امیرالمؤمنین علیه السلام

حقیقتاً روز بزرگ و عید تعیین کننده و عظیم القدری است. این روز، هم از لحاظ شخصیّت امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام) - در ابعاد این شخصیّت

ص:۲۲

۱- ۷. سخنرانی در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت عید سعید غدیر، ۲۰/۴/۱۳۶۹.

عظیم و خصوصیات شخصی و سیاسی و اجتماعی که در این مردِ الهی و ملکوتی وجود داشت، نه در زمان نبی اکرم (علیه و علی آله الصلاه و السلام)و نه بعد از او، غیر از امیرالمؤمنین کسی را با این خصوصیات سراغ نداریم - قابل اعتنا و توجّه و بررسی است، و هم از لحاظ خودِ این حادثه و نصب عجیب. در مورد امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام)، همه کسانی که از روی مدارک با حالات آن بزرگوار آشنایی دارند، باید اقرار کنند که امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام)، به واسطه غدیر به شخصیّت والای خود نرسید. غدیر چیزی نبود که گوهر نایاب امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام) را شکل دهد. غدیر، نتیجه فضایل، مزایا و کمالات آن حضرت بود. البته افتخار برخورداری از فرمان الهی، از نصب پیغمبر و از بیعت مؤمنین و صحابه، افتخار بزرگی است. امّا بزرگ تر از آن، خصوصیاتی است که در این انسان والا و بی نظیر وجود داشت، که به چنین حادثه و دستور نصبی از طرف پروردگار منتهی شد.(۱)

غدیر، صحنه تثبیت ارزش ها

آنچه که در ماجرای غدیر از دیدگاه مطالعه کنندگانی از قبیل ما می شود فهمید، مضمون این نصب الهی در باب کیفیّت اداره کشور و گزینش انسان های صالح برای مسؤولیت های بزرگ است. البته کسانی که اهل بینش عالی عرفانی حقّ شناسانه هستند و دلشان با منابع نور و معرفت متصل است، ای بسا حقایق دیگری را هم در این ماجرا می فهمند. آنچه ما در این ماجرا احساس می کنیم، این است که با نصب امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام) در روز غدیر، پیغمبر

۱- ۸. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، به مناسبت «عید غدیر» ۳/۸/۱۳۷۳.

اکرم صلی الله علیه وآله به دستور پروردگار، این حقیقت را از اسلام آشکار کرد که مسؤولیت بزرگِ اداره جامعه در نظام اسلامی، چیزی نیست که نسبت به معیارهای اسلامی، بشود درباره آن از موردی صرف نظر کرد. در این کار بزرگ، صددرصد باید معیارها و ارزش های اسلامی در نظر گرفته شود.

بالاتر از امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام) کیست؟ همه خصوصیاتی که از نظر اسلام، ارزش است و البته از نظر عقل سالم توأم با انصاف هم، همان ها ارزش محسوب می شود، در امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام) جمع بود. ایمان او، اخلاص او، فداکاری و ایثار او، تقوای او، جهاد او، سبقت او به اسلام، بی اعتنایی او به هرچه غیرِ خدا و هرچه غیر از هدف خدایی، بی اعتنایی او به زخارف مادّی، بی ارزش بودن دنیا در نظر او، علم او، معرفت او و اوج انسانیّت در او از همه ابعاد، خصوصیاتی است که در زندگی امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام) واضح است. ادعای این حرف ها، مخصوص شیعه هم نیست. همه مسلمین و مورّخین و محدّثینی که درباره امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام) خواسته اند به انصاف حرف بزنند، همین خصوصیات و بیش از اینها را بیان کرده اند.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله، در آن روز در مقابل چشم کسانی که این خصوصیات را در امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام) می شناختند، او را به منصب ولایت نصب کرد. معنای این نصب، اهمیّت دادن به آن معیار هاست. این همان نکته ای است که باید در نظام و جامعه اسلامی، تا قیام قائم مورد نظر همه باشد. اگر مسلمین در طول تاریخ نتوانسته اند از مواهب اسلامی به طور کامل بهره ببرند، به دلیل نقیصه بزرگِ ناشی از نشناختن معیارها بوده است.

آن کس که در دل خود ایمان دارد و در عمل خود، آنچه را لازمه ایمان

است رعـایت می کنـد، حقیقتـاً عزیز است. بحمـداللّه، احسـاس عزّت هم در دل ملّت مـا هست و این از برکـات رعـایت همان ارزش هایی است که در غدیر تثبیت شد.(۱)

غدیر، زمینه ساز استمرار حرکت پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله

عید غدیر، عید بسـیار بزرگ و خاطره عظیم تاریخی است؛ لیکن در مضمون عید غدیر درس هایی وجود دارد که هرگاه ملّت اسلام این درس ها را به گوش جان بشنود، حقیقتاً از این روز بهره خواهد برد.

در واقعه غدیر، درس های بزرگی وجود دارد: اوّلاً این واقعه جزو وقایع مسلّم تاریخ اسـلام است. اینطور نیست که فقط شـیعه حدیث غدیر را نقل کرده باشد. در بین علما و محدّثان اهل سنّت، تعداد بسـیاری این حدیث را نقل کرده اند و همان طور که شیعه این احادیث را بیان کرده است، آنها هم بیان کرده انـد. فهم علما و دانشـمندان - هماننـد فهم خود حضّار آن حادثه - از این عمل پیغمبر، که دست امیرالمؤمنین را بلنـد کرد و فرمود: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» این بود که پیغمبر، امیرالمؤمنین را برای جانشـینی خود نصب کرد. نمی خواهیم وارد مسأله شـیعه و سـنی و اختلافـات و درگیری های اعتقادی شویم - دنیای اسـلام تا امروز هرچه از دعوای شـیعه و سـنی کشـیده، بس است! - ولی معرفتی که در این کلام عمیق پیغمبر وجود دارد، باید درست فهمیده شود؛ پیغمبر امیرالمؤمنین را منصوب کرد.

پیغمبر برای این مبعوث شده بود که مردم را تعلیم دهد و تزکیه کند؛

۱- ۹. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام به مناسبت عید غدیرخم ۱/۱۲/۱۳۸۱.

«یُعَلِّمُهُمُ الْکِتابَ وَالْحِکْمَهَ وَیُزَکِّیهِمْ» (۱) یا در جای دیگر «وَیُزَکِّیکُمْ وَیُعَلِّمُکُمُ الْکِتابَ وَالْحِکْمَهَ» (۲) باید انسان ها، هم آموزش داده شوند و هم تزکیه شوند، تا این کره خاکی و این جامعه بزرگ بشری بتواند مثل یک خانواده سالم، راه کمال را طی کند و از خیرات این عالم بهره مند شود. هدف همه نبوّت ها و بعثت ها این است. هر کدام از انبیا به نبوّت مبعوث شدند، این اقدام بزرگِ تعلیم و تربیت را تا آن حدّی که امکانات زمان اجازه می داد، پیش بردند؛ امّا دین خاتم و نبیّ خاتم باید این حرکت عظیم الهی را ابدیّت بخشد؛ چون پیغمبر دیگری مبعوث نخواهد شد تا بشر به آن سر منزل نهایی خود در این عالم - که زندگی در کره خاکی و در خانواده بشری، باید همراه با صلح و صفا و عدالت و با بهره مندی از خیرات عالم باشد - نزدیک شود و بالاخره به آن برسد. چگونه می شود بشریت را به آن سرمنزل نهایی نزدیک کرد؟ آن وقتی که این تربیت مستمر باشد. باید تعلیم و تربیت مستمرّی از موضع حکومت و قدرت سیاسی - آن هم قدرت سیاسی کسی مثل پیغمبر؛ یعنی معصوم - این جامعه بشری را به تدریج پیش ببرد و تربیت کند و ناهنجاری ها را در میان آنها کاهش دهد تا بشریت بتواند به آن نقطه ای که شروع زندگی سعادتمندانه همه انسان هاست - که ما آن دوره را، دوره حضرت ولیّ عصر (ارواحنا فداه) می دانیم - برسد. دوره ولیّ عصر (ارواحنا فداه)، دوره آغاز زندگی بشر است؛ دوره پایان زندگی بشر نیست. از آنجا حیات حقیقی انسان و سعادت حقیقی این خانواده عظیم بشری تازه شروع خواهد شد و استفاده از برکات این کره خاکی و استعدادها و انرژی های نهفته در این فضا، برای انسان

۱- ۱۰. سوره بقره، آیه ۱۲۹.

۲- ۱۱. سوره بقره، آیه ۱۵۱.

- بدون ضـرر، بدون خسارت، بدون نابودی و ضایع کردن - ممکن خواهد شد. درست است که امروز بشـر از چیزی اسـتفاده می کند، امّا به یک چیز دیگر ضـرر می زند. امروز نیروی اتم را کشف می کند امّا نیروی اتم را برای نابودی انسان به کار می برد؛ نفت را از اعمـاق زمین اسـتخراج می کنـد، امّـا این نفت در راه تضـییع و تخریب محیط زیست انسان به کار می رود؛ کما اینکه در این صـد سال اخیر این گونه بوده است. بشـر نیروهای محرّکه و انرژی های پنهان و قوّه بخار و سایر نیروها را کشـف می کنـد، امّـا انسـان هـا را به انواع و اقسام گرفتاری های جسـمانی از ناحیه این مشـکلاتی که زنـدگی مادی برای انسان ها به وجود می آورد، آلوده می کند. به بشـر سـرعت و سهولت داده می شود؛ امّا خیلی چیزها از او گرفته می شود. از آن طرف هم تخریب ارزش های اخلاقی است که امروز انسان دچار آنهاست؛ لیکن در دوران ظهور حضـرت بقیه اللَّه (ارواحنا فـداه) قضـیه این گونه نیست.

بشـر از خیرات عالم، از انرژی های پنهان و از نیروهای نهفته در طبیعت، اسـتفاده بی ضـرر و بی خسارت می کند؛ اسـتفاده ای که مایه رشد و پیشرفت انسان است. همه پیغمبران آمده اند تا ما را به آن نقطه ای برسانند که زندگی بشر تازه شروع می شود. پیغمبر خـاتم اگر بخواهـد انسان ها را به مقتضای دین خاتم به اینجا برسانـد، بایـد چه کار کنـد؟ بایـد این تربیتی که او ارزانی انسان ها کرده است، مستمر و طولانی باشد و چندین نسل را پی در پی شامل شود. خود پیغمبر اکرم که از دنیا خواهد رفت - «إِنَّکَ مَیِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَیِّتُونَ» (۱) - پس باید کسی را نصب کند که بعد از خود او دقیقاً همان راه و همان جهت

۱- ۱۲. سوره زمر، آیه ۳۰.

و همان شیوه را مورد استفاده قرار دهد، و او علی بن ابی طالب است. معنای نصب غدیر این است.

اگر آن روز امّت اسلامی، نصب پیغمبر را درست و با معنای حقیقیِ خودش درک می کرد و تحویل می گرفت و دنبال علی بن ابی طالب علیه السلام راه می افتاد و این تربیت نبوی استمرار پیدا می کرد و بعد از امیرالمؤمنین هم انسان های معصوم و بدون خطا، نسل های بشری را مثل خودِ پیغمبر، پی در پی زیر تربیت الهی خویش قرار می دادند، بشریت بسیار زود به آن نقطه ای می رسید که هنوز به آن نقطه نرسیده است. علم و فکر بشری پیشرفت می کرد؛ درجات روحی انسان ها بالا می رفت؛ صلح و صفا در بین انسان ها برقرار می شد و ظلم و جور و ناامنی و تبعیض و بی عدالتی از بین مردم رخت بر می بست. اینکه فاطمه زهراعلیها السلام - که در آن زمان عارف ترین انسان ها به مقام پیغمبر و امیرالمؤمنین بود - فرمود اگر دنبال علی راه می افتادید، شما را به چنین سر منزلی هدایت می کرد و از چنین راهی می برد، به همین خاطر است. ولی بشر زیاد اشتباه می کند.

در تاریخ، اشتباهات بزرگ همیشه سرنوشت انسان ها را با مشکلات بزرگ دچار کرده است. ماجرای سیر انسان در دوران نبوّت نبیّ خاتم صلی الله علیه وآله، ماجرای بسیار پرحادثه و داستان بسیار مهم و حامل فلسفه بسیار عمیقی است. در سال امیرالمؤمنین - که امسال و سال های دیگر هم متعلّق به ایشان است - شایسته است که این فلسفه مورد مداقّه قرار گیرد. امروز هم بشر باید همان حرکت و تلاش را انجام دهد. جوامع بشری هرچه با عدالت و معنویت همراه شوند و هرچه انسان ها از رذایل اخلاقی، خودخواهیها، بد اندیشی ها، بد دلیها، شهوت رانی ها و خود پرستی ها دور شوند، آن آینده نزدیک تر

خواهد شد. بشر در طول تاریخ در کج راهه هایی قرار گرفته و به راه افتاده که او را از سرمنزل نهایی خودش بسیار دور کرده است.(۱)

رشحه ای از رشحات ولایت در اسلام

اگر ملّت ها قطع نظر از مذاهب و ادیانی که بر آنها حاکم است، بخواهند راه سعادت را پیدا کنند، باید به ولایت اسلامی بر گردند.

البته این ولایت اسلامی به شکل کامل، در یک جامعه اسلامی عملی است: چون ولایت براساس ارزش های اسلامی - یعنی عدالت اسلامی، علم اسلامی و دین اسلامی - است؛ امّا به شکل غیر کامل، در همه ملّت ها و در میان همه جوامع عملی است. اگر می خواهند کسی را به عنوان رهبر و حاکم بر جامعه انتخاب کنند، سراغ آن کسی که سرمایه داران معرفی می کنند، نروند؛ سراغ پارساترین و پاکترین و بی اعتنا ترین انسان ها به دنیا بروند؛ آن کسی که قدرت را سرمایه شخصی خود به حساب نمی آورد و از آن برای سود شخصی خویش استفاده نمی کند.

این، رشحه ای از رشحات ولایت در اسلام است و دمکراسی های جاری عالم از آن بی نصیبند. این، از برکات اسلام است. لذا از اوّل انقلاب هم همین عنوان ولایت و ولایت فقیه - که دو مفهوم است؛ یکی خود مفهوم ولایت، یکی اینکه این ولایت متعلق به فقیه و دین شناس و عالم دین است - از طرف کسانی که در حقیقت تحمل این بافت ارزشی کامل را نمی توانستند و نمی توانند بکنند، مورد تعرض شدید قرار گرفت. امروز هم همین طور است.

۱- ۱۳. بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضاعلیه السلام در مشهد مقدّس ۶/۱۰/۱۳۷۹.

خوشبختانه مردم این راه را شناخته اند. این، از برکات غدیر و اسلام و زندگی امیرالمؤمنین و نیز حکومت کوتاه آن بزرگوار است.(۱)

حقایق نهفته در غدیر

در ماجرای غدیر، حقایق بسیاری نهفته است. صورت قضیه این است که برای جامعه نوپای اسلامی در آن روز، که در حدود ده سال از پیروزی اسلام و تشکیل آن جامعه گذشته بود، نبیّ مکرّم صلی الله علیه وآله، موضوع حکومت و امامت را - با همان معنای وسیعی که دارد - حل می کردند و در غدیرخم و در بازگشت از حج، امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام) را به جانشینی خود نصب می فرمودند. خودِ همین ظاهر قضیه، البته بسیار مهم است و برای کسانی که در مسائل یک جامعه انقلابی، اهل تحقیق و تدبّر باشند، یک تدبیر الهی است. ولی ماورای این ظاهر، حقایق بزرگی وجود دارد که اگر امّت و جامعه اسلامی به آن نکات برجسته توجّه کند، خط و راه زندگی روشن خواهد شد. اساساً اگر در قضیه غدیر، عموم مسلمین - چه شیعیان که این قضیه را قضیه امامت و ولایت می دانند و چه غیر شیعیان که اصل قضیه را قبول دارند، امّا برداشت آنها از این موضوع، امامت و ولایت نیست - بیشتر توجّه خودشان را امروز متوجّه و متمرکز به نکاتی کنند که در قضیه غدیر است، برای مصالح مسلمین دستاوردهای زیادی خواهد داشت.(۲)

۱- ۱۴. سخنرانی در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت عید سعید غدیر، ۴/۱۰/۱۳۷۰.
۲- ۱۵. سخنرانی در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت عید سعید غدیر، ۴/۱۰/۱۳۷۰.

ابعاد گوناگون غدیر

در باب غدیر، انسان از ابعاد گوناگونی می تواند نظر بیندازد و بهره معنوی و فکری بگیرد. یکی، اصل و موضوع «ولایت» به عنوانِ استمرار نبوّت است. این، موضوع مهمّی است. نبوّت عبارت است از گزاردن پیغام پروردگار در میان بشر در برهه ای از زمان و تحقق اراده الهی به وسیله شخصی که مبعوث و برگزیده پروردگار است. بدیهی است این دوره هم تمام می شد و می گذشت که «إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ» (۱)، امّا این حادثه الهی و معنوی، با رفتن پیغمبر، منقطع نمی شود؛ بلکه هر دو جنبه اش باقی می ماند. یکی جنبه اقتدار الهی، حاکمیّت دین و اراده پروردگار در میان بشر است. انبیا مظهر، اقتدار پروردگار در میان بشر بودند. انبیا که نیامدند مردم را فقط نصیحت کنند. نصیحت و تبلیغ، بخشی از کار پیغمبران است. پیغمبران همه آمدند تا جامعه ای را براساس ارزش های الهی به وجود آورند؛ یعنی در واقعیت زندگیِ مردم تأثیر بگذارند. بعضی توانستند و مبارزات شان به نتیجه رسید؛ بعضی هم نتوانستند. این جنبه از زندگی پیغمبر که مظهر قدرت خدا در زمین و در میان بشر و مظهر حاکمیّت و ولایت الهی در میان مردم است، استمرار پیدا می کند؛ برای اینکه معلوم شود، دین در هیچ زمانی نمی تواند اثر خود را ببخشد، مگر اینکه زمامداری، حاکمیّت و اقتدار، در آن وجود داشته باشد.

جنبه دومِ موضوع که آن هم به همین اندازه مهم است، این است که حال که این حاکمیّت، با رفتن نبیّ قطع نمی شود و استمرار پیدا می کند، یک حاکمیّت

۱- ۱۶. سوره زمر، آیه ۳۰.

برهنه و بی نصیب از معنویّت پیغمبر باشد. درست است که پیغمبر دارای مقام ممتاز استثنایی است و هیچ کس دیگر با او مقایسه نمی شود؛ امّا استمرار وجود او، باید متناسب با او باشد. ارزش های وجود مقدّس پیغمبر، باید در کسی که استمرار وجود اوست به قصد ظرفیّت آن شخص، حفظ شود. در آن دوره و فصل مهم از تاریخ نبوّت و ولایت، که بایستی معصوم می بود تا انحراف پیش نیاید، جز در وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام، چنین چیزی متحقّق و متبلور نبود. ماجرای غدیر، این دو چیز را با هم، در تاریخ اسلام ثبت کرده است. لذا، این یک بُعد از مسأله غدیر است. یک بُعد دیگر، شخصیّت خودِ امیرالمؤمنین است. بعد دیگر، اهتمام نبیّ اکرم به مسائل بعد از وفات خودشان است. اینها دیدگاه های مختلفی است که مسأله غدیر را از همه این جنبه ها می شود مورد بررسی قرار داد.(۱)

غدیر یک مسأله اسلامی و نه فقط شیعی

غدیر یک مسأله اسلامی است؛ یک مسأله فقط شیعی نیست. در تاریخ اسلام، پیامبر اکرم یک روز سخنی بر زبان رانده و عملی انجام داده است که این سخن و این عمل، از ابعاد گوناگون دارای درس و معناست. نمی شود ما بگوییم که از غدیر و حدیث آن، فقط شیعه استفاده کند؛ امّا بقیه مسلمانان از محتوای بسیار غنی ای که در این کلام شریف نبوی وجود دارد و مخصوص یک دوره هم نیست، بهره نبرند. البته چون در قضیه غدیر، نصب امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام) به امامت و ولایت وجود دارد، شیعه

۱- ۱۷. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسؤولان کشوری و لشکری، به مناسبت «عید غدیر» ۱۹/۳/۱۳۷۲.

دلبستگی بیشتری به این روز و این حدیث دارد؛ ولی مضمون حدیث غدیر، فقط مسأله نصب آن حضرت به خلافت نیست؛ مضامین دیگری هم دارد که همه مسلمانان می توانند از آن بهره ببرند.(۱)

روز طرح رسمی و صریح ولایت

در مورد اصل واقعه غدیر، خوب است همه افرادی که به مسائل تاریخ اسلام علاقه مندند، بدانند که قضیه غدیر، یک قضیه مسلّم است. مشکوک نیست؛ فقط شیعیان نیستند که آن را نقل کرده اند؛ بلکه محدثّان سنّی - چه در دوره های گذشته و چه در دوره های میانی و بعدی - این ماجرا را نقل کرده اند؛ یعنی همین ماجرایی که در سفر حجه الوداع پیامبر اکرم در غدیرخم اتفاق افتاد. از کاروان بزرگ مسلمانان که در این سفر با پیامبر حج گزارده بودند، بعضی جلو رفته بودند. پیامبر پیک هایی را فرستاد تا آنها را به عقب برگردانند و ایستاد تا آنهایی که عقب مانده اند، برسند. اجتماع عظیمی در آنجا تشکیل شد. بعضی گفته اند نود هزار، بعضی گفته اند صدهزار و بعضی هم گفته اند صد و بیست و هزار نفر در آن اجتماع حضور داشتند. در آن هوای گرم، مردم ساکن جزیره العرب - که بسیاری از آنها هم اهل بیابان ها و روستاها بودند و به گرما عادت داشتند - طاقت نمی آوردند روی زمین داغ بایستند. لذا عبا هایشان را زیر پاهایشان می گذاشتند تا طاقت بیاورند و بایستند. این نکته در روایت مربوط به اهل سنّت هم آمده است. در چنین شرایطی، پیامبر اکرم از جای برخاست، امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام) را از زمین بلند کرد

۱- ۱۸. بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضاعلیه السلام در مشهد مقدّس ۶/۱۰/۱۳۷۹.

و جلوی چشم خلایق نگه داشت و فرمود: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه، اللّهمّ وال من والاه و عاد من عاداه». البته این جملات، قبل و بعد هم دارد؛ امّا مهم ترین قسمتش این است که پیامبر در اینجا مسأله ولایت - یعنی حاکمیت اسلامی - را به طور رسمی و صریح مطرح می کند و امیرالمؤمنین را به عنوان شخص، معین و مطرح می نماید. این را همان طور که لابد شنیده اید و من هم عرض کردم، برادران اهل سنّت ما در کتاب های معتبر - نه یکی، نه دو تا؛ در ده ها کتاب معتبر - نقل کرده اند. مرحوم علّامه امینی اینها را جمع کرده است، و غیر از ایشان هم کتاب های زیادی در این خصوص نوشته اند. بنابراین، این روز، اوّلاً روز ولایت است؛ ثانیاً روز ولایت امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام) است.

در این جمله ای که پیامبر بیان کرده اند، معنای ولایت چیست؟ به طور خلاصه معنایش این است که اسلام در نماز و روزه و زکات و اعمال فردی و عبادات خلاصه نمی شود. اسلام دارای نظام سیاسی است و در آن حکومتی بر مبانی مقرّرات اسلامی پیش بینی شده است. در اصطلاح و عرف اسلامی، نام حکومت، «ولایت» است. ولایت، چطور حکومتی است؟ ولایت، حکومتی است که در آن، شخص حاکم با آحاد مردم دارای پیوندهای محبّت آمیز و عاطفی و فکری و عقیدتی است. آن حکومتی که زورکی باشد؛ آن حکومتی که با کودتا همراه باشد؛ آن حکومتی که حاکم، عقاید مردمش را قبول نداشته باشد و افکار و احساسات مردمش را مورد اعتنا قرار ندهد؛ آن حکومتی که حاکم حتی در عرف خود مردم - مثل حکومت های امروز دنیا - از امکانات خاص و از برخورداری های ویژه بهره مند باشد و برای او، منطقه ویژه ای برای تمتّعات دنیوی وجود داشته باشد، هیچکدام به معنای «ولایت» نیست و ولایت، یعنی حکومتی که در آن، ارتباطات حاکم با مردم، ارتباطات

فکری، عقیـدتی، عاطفی، انسانی و محبّت آمیز است؛ مردم به او متصل و پیوسـته اند؛ به او علاقه مندند و او منشأ همه این نظام سیاسـی و وظایف خود را از خـدا می داند و خود را عبد و بنده خدا می انگارد. اسـتکبار در ولایت وجود ندارد. حکومتی که اسـلام معرفی می کنـد، از دمکراسـی هـای رایـج دنیا مردمی تر است؛ با دل ها و افکار و احساسات و عقایـد و نیازهای فکری مردم ارتباط دارد؛ حکومت در خدمت مردم است.

از جنبه مادّی، حکومت برای شـخص حاکم و ولیّ و تشکیلات حکومتی، به عنوان یک طعمه نباید محسوب شود؛ و الّا ولایت نیست. اگر آن کسـی که در رأس حکومت اسـلامی است، برای حکومت، برای خود، برای این شـأن و مقامی که به او رسـیده اسـت یـا می خواهـد بـه او برسـد، کیسـه مـادّی ای دوخته باشـد، آن شـخص، ولیّ نیست؛ آن حکـومت هم ولا‌یت نیست. در حکومت اسـلامی، کسـی که ولیّ امر است - یعنی کـار اداره نظـام سیاسـی به او سپرده شـده است - از لحاظ قانون با دیگران یکسان است. او حقّ دارد بسیاری از کارهای بزرگ را برای مردم و کشور و اسـلام و مسـلمین انجام دهد؛ امّا خودش محکوم قانون است.

از روز اوّل تا امروز - بخصوص بعد از تشـکیل نظام جمهوری اسـلامی - در معنای ولایت تحریف کردند؛ به دروغ، ولایت را چیزی غیر از آنچه که هست، معرفی کردنـد. گفتنـد ولایت معنایش این است که مردم محجورنـد و به سـرپرست و قیّم احتیاج دارند. آدم های نام و نشان دار، این را صـریحاً در کتاب ها و مطبوعات شان نوشـتند! دروغ محض، تهمت به اسـلام، تهمت به ولایت!

در غـدیر، مسـأله ولا‌یت، به عنوان یـک امر رسـمی از سوی پیامبر مطرح شـد و امیرالمؤمنین (علیه الصـلاه و السـلام) به عنوان مصداق آن تعیین گردید؛ که البته

تفاصیل زیادی دارد و شما آن را می دانید. و اگر کسانی هم از تفاصیل آن اطّلاعی ندارند - بخصوص جوانان - بهتر این است که در نوشته ها و کتاب های استدلالی و علمی آن را دنبال کنند.

کتاب هایی هم در این زمینه نوشته شده و مفید است.(۱)

امتداد خط همه رسالت های الهی

نباید فقط به چشم یک خاطره فرقه ای نگاه کرد. غدیر در حقیقتِ معنای خود، مخصوص شیعه نیست. اگرچه شیعیان به میمنت نصب مولای متّقیان به مقام امامت و ولایت، در این روز عید می گیرند و شکرگزاری می کنند؛ امّا در حقیقت، روز غدیر امتداد خطّ همه رسالت های الهی و اوج این خطّ روشن و نورانی در طول تاریخ است. اگر به مضمون رسالت های الهی نگاه کنیم، می بینیم که در طول تاریخ نبوت ها و رسالت ها، این خطّ روشن دست به دست گشته، تا به نبی مکرم خاتم رسیده و در پایان حیات آن بزرگوار، تجسّم و تبلور آن به شکل حادثه غدیر خود را نشان داده است.(۲)

الگوی فراموش نشدنی حکومت

امامت، یعنی همان اوج معنای مطلوب اداره جامعه در مقابل انواع و اقسام مدیریت های جامعه که از ضعف ها و شهوات و نخوت و فزون طلبی انسانی سرچشمه می گیرد. اسلام شیوه و نسخه امامت را به بشریت ارائه می کند؛ یعنی اینکه یک انسان، هم دلش از فیض الهی سرشار و لبریز باشد، هم

۱- ۱۹. بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضاعلیه السلام در مشهد مقدّس ۶/۱۰/۱۳۷۹.
۲- ۲۰. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در سال روز عید سعید غدیرخم ۲۴/۱۲/۱۳۷۹.

معارف دین را بشناسد و بفهمد - یعنی راه را درست تشخیص دهد - هم دارای قدرت عملکرد باشد - که «یاَیَحْیَی خُذِ الْکِتابَ بِقُوَّهٍ» (۱) - هم جان و خواست و زندگی شخصی برایش حائز اهمیّت نباشد؛ امّا جان و زندگی و سعادت انسان ها برای او همه چیز باشد؛ که امیرالمؤمنین در کمتر از پنج سال حکومت خود، این را در عمل نشان داد.

شما می بینید که مدت کوتاه کمتر از پنج سال حکومت امیرالمؤمنین، به عنوان یک نمونه و الگو و چیزی که بشریّت آن را هرگز فراموش نخواهد کرد، در طول قرن ها همچنان می درخشد و باقی مانده است. این نتیجه درس و معنا و تفسیر واقعه غدیر است. ما دو سال با عنوان نام امیرالمؤمنین، جامعه و دل های خود را به عظمت این مقام شامخ و این چهره فراموش نشدنی تاریخ متوجّه کردیم؛ امّا معنای آن این نیست که وقتی امسال - که سال ۸۰ است - تمام شود، دیگر رفتارهای علوی و پرداختن به زندگی امیرالمؤمنین برای ما لازم نیست و تاریخ مصرف آن می گذرد؛ نخیر، ما هر لحظه احتیاج داریم که به آن نقطه الگو و خطّ نشان و انگشت اشاره ای که در زندگی امیرالمؤمنین وجود دارد، نگاه کنیم؛ از آن الگو بگیریم و فاصله طولانی بین خودمان و او را هرچه ممکن است، قدم به قدم کم کنیم.

بزرگ ترین خطر برای نظام و حکومتی مثل نظام و حکومت ما که با نام اسلام به وجود آمده، این است که ما فراموش کنیم الگوی حکومت ما، امیرالمؤمنین است؛ به الگوهای رایج دنیا و تاریخ نگاه کنیم و خود را با آنها

مقایسه کنیم؛ به روش حکومت های منحرفی که در طول تاریخ روز به روز به بشریّت ضربه زدند، نگاه کنیم که اگر یک جنبه از زندگی انسان را

۱- ۲۱. سوره مریم، آیه ۱۲.

رونقی بخشیدند، جنبه دیگری را دچار ضایعات جبران ناشدنی کردند.(۱)

موضوع غدیر در تحلیل تاریخی حوادث صدر اسلام

مسأله غدیر، صرفاً یک مسأله ای که ما جمع شیعه به آن اعتقاد داریم و یک عدّه از مسلمان ها هم به آن اعتقاد ندارند، این نیست. در نگاه تاریخی به اسلام و در تحلیل تاریخی حوادث صدر اسلام، موضوع غدیر - یعنی نصب جانشین - یک ضرورتی بود که اگر آنچنان که تدبیر شده بود - تدبیر رحمانی و الهی، و تدبیر نبوی - عمل می شد، بدون تردید مسیر تاریخ بشر عوض می شد و امروز ما در جایگاه بسیار جلو تری از تاریخ طولانی بشریت قرار داشتیم. اینکه یک مکتب و نظام فراگیر نیازهای زندگی بشر، به وسیله پیامبر خاتم در جامعه فرصت پیاده شدن پیدا کند، که این خود یک معجزه بزرگ بود، که پیغمبر توانست این نظام فکری و عملی را واقعیت ببخشد و بر روی زمین واقعیت، آن را بنا کند؛ آن هم در دشوارترین جاها، خود اینکه در دشوارترین جاها توانسته این بنا پیاده شود و قرار بگیرد، نشان دهنده این بود که در همه نقاط زندگی بشر و جغرافیای انسانی آن روز دنیا و بعد از آن، این بنا قابل تحقق است. این شکل علمی را در مقام عمل، در دشوارترین صورت، پیغمبر توانست تحقق ببخشد. اگر این حادثه اتفاق می افتاد که حفظ و گسترش کمی و گسترش کیفی در این موجود خلق شده الهی - یعنی جامعه اسلامی نبوی - می توانست به قدر ده، دوازده نسل، پی در پی حراست و حفاظت بشود، آن وقت مسلم بود که این حرکت در طول تاریخ بشر، شکست ناپذیر می ماند.

۱- ۲۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در سال روز عید سعید غدیرخم ۲۴/۱۲/۱۳۷۹.

معنایش این نبود که بشر، دوران انتظاری نخواهد داشت و خود در طول این دوازده نسل، به نهایت مطلوب خود خواهد رسید. اگر آن طوری که پیغمبر معین کرده بود، امیرالمؤمنین بعد امام حسن، بعد امام حسین، بعد ائمه دیگر، یکی پس از دیگری می آمدند، باز به گمان بیشتر، بشر نیاز به یک دوران انتظار داشت تا بتواند آن جامعه آرمانی را تحقق ببخشد. امّا در آن صورت اگر این تعاقب معصومین، این دست های امین و کارآمد، می توانستند این حادثه ایجاد شده در واقعیت را حفظ کنند، آن وقت مسیر بشر، مسیر دیگری می شد.(۱)

غدیر، شروع روندی برای رسیدن بشریت به مرحله ای بالاتر

امروز بشر عیناً همان نیازهایی را دارد که پنج هزار سال پیش، این نیازها را داشت؛ نیازهای اصولی بشر، هیچ تفاوتی نکرده است. آن روز هم بشر از نفوذ قدرت های ستمگر رنج می برد؛ امروز هم شما - شماها چشمتان باز است - اگر دنیا را از نفوذ قدرت های ستمگر و ویرانگر نگاه کنید، خواهید دید که بشر دارد رنج می برد. آن روز هم نیاز بزرگ بشر عدالت بود و برترین رنج او بی عدالتی؛ امروز هم شما نگاه کنید، در دنیا بزرگ ترین مشکل بشر، بی عدالتی است. خطاست اگر خیال کنیم که این آزادی فردی - که لیبرال دمکراسی غرب به بشر هدیه داده - این نیاز بشر بوده که قبلاً نبوده؛ چرا؛ به این شکل هایی که امروز آزادی های فردی هست، در بسیاری از دوره های تاریخ و در بسیاری از مناطق تاریخ وجود داشته است. همین محدودیت هایی که امروز به شکل پنهان اراده انسان ها را به زنجیر می کشند، اینها یک روز به

۱- ۲۳. بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق علیه السلام ۲۹/۱۰/۱۳۸۴.

صورت آشکار بوده است. این تور احاطه کننده بر اراده، حرکت و حیات انسان، امروز ریز تر بافته شده، از خیوط و نخهای باریک تری استفاده شده و با مهارت بیشتری به آن انداخته می شود. آن روز این مهارتها نبود؛ امّا آشکار تر و قدر مآبانه تر بود. پس نیازهای بشر تفاوتی نکرده است. اگر آن دست به دست شدن امانت نبوی و گسترش کمی و کیفی متناسب و درست، انجام می گرفت، امروز بشر این نیازها را گذرانده بود (نیازهای فراوان دیگری ممکن بود برای بشر پیش بیاید که امروز ما آن نیازها را حتی نمی شناسیم) آن نیازها ممکن بود باشد؛ امّا دیگر اینقدر ابتدایی نبود. امروز ما و جامعه بشری، همچنان در دوران نیازهای ابتدایی بشری قرار داریم. در دنیا گرسنگی هست، تبعیض هست - کم هم نیست؛ بلکه گسترده است، به یک جا هم تعلق ندارد؛ بلکه همه جا هست - زورگویی هست، ولایت ناحقّ انسان ها بر انسان ها هست؛ همان چیزهایی که چهارهزار سال پیش، دو هزار سال پیش به شکل های دیگری وجود داشته است. امروز هم بشر گرفتار همین چیزهاست و فقط رنگ ها عوض شده است. «غدیر» شروع آن روندی بود که می توانست بشر را از این مرحله خارج کند و به یک مرحله دیگری وارد کند. آن وقت نیازهای لطیف تر و برتری، و خواهش ها و عشق های به مراتب بالاتری، چالش اصلی بشر را تشکیل می داد. راه پیشرفت بشر که بسته نیست! ممکن است هزارها سال یا میلیون ها سال دیگر بشریت عمر کند؛ هرچه عمر کند، پیوسته پیشرفت خواهد داشت. منتها امروز پایه های اصلی خراب است؛ این پایه ها را پیغمبر اسلام بنیان گذاری کرد و برای حفاظت از آن، مسأله وصایت و نیابت را قرار داد، امّا تخلف شد. اگر تخلف نمی شد، چیز دیگری پیش می آمد. «غدیر» این است. در طول دوران دویست و پنجاه ساله زندگی

ائمه علیهم السلام - که عمر دوران ظهور ائمه از بعد از رحلت پیغمبر تا زمان وفات حضرت عسکری، دویست و پنجاه سال است - هر وقت ائمه توانسته اند و خودشان را آماده کرده اند تا اینکه به همان مسیری که پیغمبر پیش بینی کرده بود، برگردند؛ امّا خوب، نشده است دیگر.(۱)

غدیر نشانه اهتمام اسلام، به مدیریت جامعه

تبریک عرض می کنم عید مبارک غدیر را، که عید بزرگ خداوند و یکی از مقاطع بسیار مهم و تعیین کننده در تاریخ اسلام است. مسأله غدیر و تعیین امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام) به عنوان ولی امر امّت اسلامی از سوی پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه وآله یک حادثه بسیار بزرگ و پر معناست؛ در حقیقت دخالت نبی مکرم در امر مدیریت جامعه است. معنای این حرکت که در روز هجدهم ذی الحجه سال دهم هجرت اتفاق افتاد، این است که اسلام به مسأله مدیریت جامعه به چشم اهمیّت نگاه می کند. اینطور نیست که امر مدیریت در نظام اسلامی و جامعه اسلامی، رها و بی اعتنا باشد. علّت هم این است که مدیریت یک جامعه، جزو اثرگذار ترین مسائل جامعه است. تعیین امیرالمؤمنین هم - که مظهر تقوا و علم و شجاعت و فداکاری و عدل در میان صحابه پیغمبر است - ابعاد این مدیریت را روشن می کند. معلوم می شود آنچه از نظر اسلام در باب مدیریت جامعه اهمیّت دارد، اینهاست. کسانی که امیرالمؤمنین را به جانشینی بلافصل هم قبول ندارند، در علم و زهد و تقوا و شجاعت آن بزرگوار و در فداکاری او برای حقّ و عدل، تردید ندارند؛ این مورد اتفاق همه

۱- ۲۴. بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق علیه السلام ۲۹/۱۰/۱۳۸۴.

مسلمین و همه کسانی است که امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام) را می شناسند. این نشان می دهد که جامعه اسلامی از نظر اسلام و پیغمبر، چه نوعِ مدیریت و زمامداری و حکومتی را باید به عنوان هدف مطلوب دنبال کند.(۱)

پیام غدیر، مسأله نصب حاکم است

با قطع نظر از شخص امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام) و موضوع منصوب بودن آن حضرت - که شیعه متمسّک پایبند به این معناست - دیگران به این بخشِ قضیه، توجّه چندانی نکردند و نصب امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام) را مورد ملاحظه قرار ندادند. در این قضیه، اصل مسأله نصب حاکم، مسأله مهمی است که پیام غدیر است.

چرا باید این پیام روشن را که پیغمبر اکرم - مؤسس اسلام - به همه مسلمین داده است، العیاذ باللّٰه نادیده گرفت؟

آنجا که می گوید: «مسلمانان! دین را از اساس زندگی و از امر حکومت که پایه زندگی فردی و اجتماعی است، جدا نکنید. دین را به گوشه خلوتِ خانه ها و ذهن و مسائل روحی منحصر نکنید. دین را به انزوا نیندازید.» اساس زندگی بشر، که برپایه حکومت است، امری است متوجّه دین؛ مسؤولیتی است بر دوش دین و دین باید این کار را انجام دهد. هیچ کس هم آن روز این معنا به ذهنش نیامد که «مگر مردم صغیرند که ولی می خواهند؟!» سفسطه عوامانه ای که بعضی افراد با ظواهر علمی و استدلالی مطرح می کنند. سرپرستی، همه جا به معنای «سرپرستی آدم قاصر» نیست. آموزگاری و معلّمی، همه جا به معنی

۱- ۲۵. بیانات در دیدار مردم پاک دشت، در سالروز عید سعید غدیر ۱۰/۱۱/۱۳۸۳.

معلّمی کلاس اوّل دبستان نیست که ما اگر به یک استاد دانشگاه گفتیم «معلم» بگوییم «اهانت شد، چون به معلم کلاس اوّل هم معلم می گویند!» معلمی در هر جا، به اقتضای خودِ آنجاست. معلم دانشگاه، معنا و اقتضایی دارد. معلم کلاس اوّل، یک اقتضا دارد. سرپرستی محجور و صغیر، معنایی و اقتضایی دارد. سرپرستی امّت اسلامی، سرپرستی جنگ، سرپرستی صلح و سرپرستی سیاست هم، معنای دیگر و اقتضای دیگری دارد. اینها با هم قابل خَلط نیستند. این، پیام غدیر است.(۱)

غدیر و استقرار عدالت اسلامی

نکته دیگری که در ماجرای غدیر می شود فهمید، این است که امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام)، در همان چند سالی که به خلافت و حکومت رسیدند، نشان دادند که اولویّت در نظر آن بزرگوار، استقرار عدل الهی و اسلامی است.

عدالت، یعنی تأمین کردن هدفی که قرآن برای ارسال رسل و انزال کتب و شرایع آسمانی، بیان فرموده است: «لِيَقُومَ النّاسُ بِالْقِسْطِ» (۲) اقامه قسط الهی، قسط و عدل با دستوری که اسلام معین کرده، بهترین تضمین و تأمین کننده عدالت است. این، در نظر امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام)، اولویّت درجه اوّل بود. جامعه اسلامی، با عدل و قسط است که قوام پیدا می کند و می تواند به عنوان شاهد و مبشّر و هدایت گر و الگو و نمونه، برای ملّت های عالم مطرح شود. بدون عدل، ممکن نیست. ولو همه ارزش های

۱- ۲۶. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، به مناسبت «عید غدیر» ۱۸/۲/۱۳۸۳.

۲- ۲۷. سوره حدید، آیه ۲۵.

مادّی و ظاهری و دنیایی هم فراهم شود، اگر عدالت نباشد، در حقیقت هیچ کاری انجام نشده است. این، آن برجسته ترین مسأله در زندگیِ حکومتی امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام) بود. پیغمبر اکرم (صلوات اللّه و سلامه علیه) که چنین عنصری را به حکومت و ولایت مسلمین منصوب می کردند، در حقیقت اهمیّت عدل را بیان فرمودند. آن حضرت دست پرورده پیغمبرند؛ شاگرد پیغمبرند؛ مطیع و عمل کننده به فرمان و درس پیغمبرند. پیغمبر با منصوب کردن امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام)، در حقیقت عدل را در جامعه اسلامی اهمیّت بخشیدند و امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام) در طول همان چهار سال و نه ماه یا ده ماه حکومت ظاهری که داشتند، بیشترین اهتمام شان بر استقرار عدل در جامعه بود. آن حضرت، عدالت را مایه حیات اسلام و در حقیقت روح مسلمانی و جامعه اسلامی می دانستند. و این، آن چیزی است که ملّت ها به آن نیاز دارند و جوامع بشری در دوره های مختلف، از آن محروم بوده اند. در آن زمان هم محروم بودند؛ قبل از آن زمان هم محروم بودند؛ امروز هم اگر به صحنه عالم و کاری که ابرقدرت ها می کنند و روش حکومتی که حکّام مادی در دنیا عمل می کنند نگاه کنید، باز هم می بینید مشکل همین است. مشکل بشریّت، در حقیقت فقدان عدالت و اسلام و حکومت علوی و روش و منهاج امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام) است.

امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام)، عدالت را در بین مسلمانان و جامعه اسلامی جاری می کردند و مانع از این شدند که بیت المال به اسراف مصرف شود. نگذاشتند دست تطاول باز شود.

نگذاشتند کسانی بیت المال مسلمین را به ناحق مصرف کنند. البته بیت المال مسلمین در آن روز، به این شکل بود که درآمدهای جامعه اسلامی

به شـکل سـرانه، بین مردم تقسـیم می شـد. این روش مالیه جدید و این شـکلی که امروز در دنیا وجود دارد، آن روزها معمول نبود. همان درآمد را، امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام) بالسّویه تقسیم می کردند. بیت المال را بین صحابی و غیر صحابی و قرشـی و هاشـمی و غیر قرشـی و غیر خاندان پیغمبر و همه و همه، به شکل یکسان تقسیم می کردند و این، مایه اعتراض خیلی ها شد؛ امّا امیرالمؤمنین (علیه الصـلاه و السـلام) اعتنایی نکردند. امروز وضع تقسـیم بیت المال به شـکل عادلانه، آنطور نیست. امروز تقسـیم سرانه نیست و روش های دیگری در استقرار عدالت وجود دارد. امروز کسانی که با بیت المال مسلمین سر و کار دارند، باید از مصرف و خرج کردن بیت المال در غیر مصارف عمومی و مردمی، خودداری کنند.

این، راه تقسـیم عادلانه بیت المال است. اگر مسؤولی خـدای ناخواسـته، در امر بیت المال اسـراف بورزد، یا آن را در مصارف شخصـی و یا برای دوسـتان و نزدیکان و مرتبطین خود مصـرف کنـد، این تخلّف از عـدل و قرار واقعی در امر بیت المال است. بایـد بیت المـال مسـلمین در همان طریقی که قانوناً معین شـده و همان مصارف عمومی و بخش هایی که وظیفه ای از وظایف کشور را برعهـده دارد، مصـرف شود. لذا امیرالمؤمنین (علیه الصـلاه و السـلام)، آن روز به کسانی که مسؤولیت امور کشور را برعهده داشتند، سختگیری را به جایی رساندند که به قول امروز، بخشنامه کردند: «ادقوا اقلامکم؛ سرِ قلم های خودتان را که با آن می نویسـید، ریز بتراشـید». هم صـرفه جویی در قلم، هم صـرفه جویی در کاغـذ، هم صـرفه جویی در مرکّب! «و قاربوا بین سطورکم؛ سـطوری را که در کاغذ می نویسـید به هم نزدیک بنویسید و در کاغذ صرفه جویی کنید». «واقصدوا قصد المعانی؛ مطالب لازم را بنویسید». از زیاده روی و زیاده نویسی پرهیز کنید.

اگر امروز بخواهند این حرف ها را تکرار کنند، به این شکل خواهد بود که از ایجاد دستگاه های زاید، استخدام های زاید و توسعه دادن های زاید، خودداری کنید، یعنی باید از کاغذ پراکنی و زیاده نویسی های بیهوده و وقت تضییع کن، خودداری کنیم. این خصوصیات را، امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام) رعایت می کردند. در آخر این جمله هم، که بعضی از فقراتش را من عرض کردم، می فرمایند: «فان اموال المسلمین لا یحتمل الاضرار؛ ضرر رساندن به اموال مسلمانان را تحمل نمی کردند که کسی بخواهد ولو به اندازه کمی به اموال عمومی ضرر برساند». این، یعنی امانت دار دانستن خود و همه مسؤولین بیت المال. این، آن عدل امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام) است. و این آن قله ای است که ما باید به آن برسیم. آن بزرگوار – امام [خمینی]رحمه الله – هم فرمودند، و همه ما هم گفتیم: بدیهی است که ما به امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام) نمی رسیم. بدیهی است که بشر معمولی، نه در این زمان، نه حتی در آن زمان، قادر بر این نیست و نبود که مثل آن بزرگوار، مشی کند، یا عدالت را آن گونه اجرا کند و یا آنطور زندگی کند. موضوع این است که آن حضرت نمونه کاملند. باید تلاش کنیم خودمان را به آن نمونه کامل نزدیك و شبیه تر کنیم. اگر حرکت ما به گونه ای باشد که در حال دور شدن از آن نمونه کامل باشیم، این، انحراف و خطاست. این متمرکز شدن روی عدالت و دل بستن به عدالت، راز اصلی دشمنی دشمنان اسلام با اسلام، بخصوص در روزگار ماست. در زمان های قدیم هم البته همین گونه بوده است. امّا امروز، علّت اینکه می بینید ابرقدرت ها با ما – با جمهوری اسلامی؛ با شما ملّت – مخالفت دارند، احساس دشمنی دارند، اگر بتوانند ضربه ای وارد کنند، وارد می کنند و پرهیز نمی کنند، همین است. چون جمهوری اسلامی، منادی چنان عدالتی است. عدالت بین همه ملّت ها؛ بین همه انسان ها؛ بدون اینکه ملاحظه شود که کی مال کدام

نژاد، یا کدام خون، یا کدام رنگ است. امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام) در جامعه اسلامی آن روز و تحت حکومت خود، نگاه نمی کردند که این مسلمان است و این مسیحی است یا یهودی است. نسبت به همه آنها، مثل یک پدر بودند. حافظ منافع آنها بودند.(۱)

ضرورت ایستادگی بر معیار و میزان های غدیر

ایستادگی شما، دنیایی را وادار کرد که در مقابل ظلم و جور و زورگویی استکبار بایستند. دنیا اینطور نبود! تنها علاج، در مقابل ظلم و تعدّی و تجاوز و نامردمی استکبار، عبارت است از ایستادگی و پایداری روی همان معیارها و میزان هایی که غدیر، سمبل و رمز واقعی آن است؛ یعنی عدالت؛ تلاش برای خدا؛ ارزش دادن به تقوا و جهاد فی سبیل اللّٰه. ایستادگی بر روی این معیار هاست که خواهد توانست این راه را در مقابل ملّت ایران، باز هم، بازتر و هموارتر کند.(۲)

تعیین کننده ترین مسأله هر ملّت

وقتی برای یک ملّت، قضیه ولایت و حکومت حل شود، آن هم به شکلی که در غدیر خم حل شد، حقیقتاً آن روز برای آن ملّت، عید است. چون اگر ما بگوییم که مهم ترین و حساس ترین مسأله هر ملتی، همین مسأله حکومت و ولایت و مدیریت و حاکمیت والای بر آن جامعه است، این تعیین

۱- ۲۸. سخنرانی در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت عید سعید غدیر، ۴/۱۰/۱۳۷۰.
۲- ۲۹. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام، به مناسبت عید غدیرخم ۳۰/۳/۱۳۷۱.

کننـده ترین مسأله برای آن ملّت است. ملّت ها هر کـدام به نحوی، این قضـیه را حل کرده اند؛ ولی غالباً نارسا و ناتمام و حتی زیان بخش.

پس، اگر ملتی توانسـته باشـد این مسأله اساسـی را به نحوی حـل کنـد که در آن، همه چیز آن ملّت - کرامت او، معنویت او، توجّه او به خدا، حفظ سعادت دنیایی او و بقیه چیزهایی که برای یک ملّت مهم است - رعایت شده باشد، واقعاً آن روز و آن لحظه، برای آن ملّت عیـد است. در اسـلام، این قضـیه اتفـاق افتاد. روز عیـد غـدیر، ولایت اسـلامی - یعنی رشـحه و پرتوی از ولایت خدا در میان مردم - تجسم پیدا کرد و این چنین بود که دین کامل شد. بدون تعیین و تبیین این مسأله، دین واقعاً ناقص می ماند و به همین خاطر بود که نعمت اسلام بر مردم تمام شد. مسأله ولایت در اسلام، اینطور مسأله ای است.(۱)

تفاوت اساسی جامعه اسلامی با دیگر جوامع

ولایـت، یعنی حـاکمیت و سـرپرستی در جـامعه اسـلامی، طبیعتاً چیزی جـدا از ولایت و سـرپرستی و حکومت در جوامع دیگر است. در اسـلام، سـرپرستی جامعه، متعلق به خدای متعال است. هیچ انسانی این حقّ را ندارد که اداره امور انسان های دیگر را به عهـده بگیرد. این حقّ، مخصوص خدای متعال است که خالق و منشـی و عالم به مصالح و مالك امور انسان ها، بلکه مالك امور انسان ها، بلکه مالك امور همه ذرات عالم وجود است. خود این احساس در جامعه اسلامی، چیز کم نظیری است.

هیچ قدرتی، هیچ شمشیر برّایی، هیچ ثروتی، حتی هیچ قدرت علم

ص:۴۸

۱- ۳۰. سـخنرانی در دیـدار بـا جمعی از علمـا، مسؤولاـن و مردم شـهرهای لاهیجـان و ربـاط کریم، جمعی از دانش آموزان و فرهنگیـان اسـتانهای تهران و کرمـان و مازنـدران، رئیس و مسؤولان سازمان ثبت احوال، جمعی از مسؤولان و مـدیران سازمان مسکن ۰۴/۱۱/۱۳۶۸.

و تـدبیری، به کسـی این حقّ را نمی دهـد که مالـک و تصـمیم گیرنـده دربـاره سـرنوشت انسـان های دیگر باشـد. اینها ارزش هستند. حقّ تولیت امور و زمامداری مردم را به کسی اعطا نمی کند. این حقّ، متعلق به خداست.

خـدای متعال، این ولایت را از مجاری خاصـی اعمال می کنـد؛ یعنی آن وقتی هم که حاکم اسـلامی و ولی امور مسـلمین، چه براساس تعیین شـخص – آنچنان که طبق عقیـده ما، در مورد امیرالمؤمنین و ائمه علیهم السـلام تحقق پیدا کرد – و چه براساس معیارها و ضوابط انتخاب شد، وقتی این اختیار به او داده می شود که امور مردم را اداره بکند، باز این ولایت، ولایت خداست؛ این حقّ، حقّ خـداست و این قدرت و سـلطان الهی است که بر مردم اعمال می شود. آن انسان – هر که و هرچه باشد – منهای ولایت الهی و قدرت پروردگار، هیچ گونه حقی نسبت به انسان ها و مردم دیگر ندارد. خود این، یک نکته بسیار مهم و تعیین کننده در سرنوشت جامعه اسلامی است.

و امّا آن کسی که این ولایت را از طرف خداوند عهده دار می شود، باید نمونه ضعیف و پرتو و سایه ای از آن ولایت الهی را تحقق ببخشد و نشان بدهد، یا بگوییم در او باشد.

خصوصـیات ولایـت الهی، قـدرت و حکمت و عـدالت و رحمت و امثال اینهاست. آن شـخص یا آن دسـتگاهی که اداره امور مردم را بـه عهـده می گیرد، بایـد مظهر قـدرت و عـدالت و رحمـت و حکمت الهی باشـد. این خصوصـیت، فـارق بین جـامعه اسـلامی و همه جوامع دیگری است که به شکل های دیگر اداره می شوند. جهالت ها، شهوات نفسانی، هوی و هوس و سلایق شخصـی متکی به نفع و سود شخصی یا گروهی، این حقّ را نارند که زندگی و مسیر امور مردم را دستخوش خود قرار بدهند. لذا در جامعه و نظام اسلامی، عدالت

و علم و دین و رحمت بایـد حـاکم باشـد؛ خودخواهی نبایـد حـاکم بشود، هوی و هوس - از هر کس و در رفتـار و گفتـار هر شخص و شخصیتی - نباید حکومت کند.

سرّ عصـمت امام در شکل غایی و اصلی و مطلوب در اسلام هم همین است که هیچ گونه امکان تخطّی و تخلّفی وجود نداشته باشـد. آنجـایی هم که عصـمت وجود نـدارد و میسّر نیست، دین و تقوا و عـدالت بایـد بر مردم حکومت کنـد که نمونه ای از ولایت الهی محسوب می شود. پس، روز عید غدیر، روز ولایت و روز تعیین کننده ای در سرنوشت جامعه اسلامی است.

اهمیتی که به این روز داده اند، چه خود نبی اکرم صـلی الله علیه وآله که بنا به وحی الهی، یک موقعیت استثنایی و روز گرم و جایگاه سـختی را انتخاب کرد، تا اهمیّت قضیه را نشان بدهد، و چه روایات ما و ائمه اطهارعلیهم السلام که به این روز، اینقدر اهمیّت دادند، به خاطر این است که مسأله ولایت و حکومت در اسلام، مسأله اساسی و مهم است.

اگر اسلام - که دین خداست و می خواهد زندگی مردم را براساس ارزش های الهی اداره بکند - در امر حکومت، دچار یک وضـعیت دنیایی شد؛ دچار همان چیزی شد که جوامع دیگر به آن مبتلا هسـتند، مصالح مترتب بر نظام اسـلامی، به کلی از آن سلب خواهد شد. در دستگاه اداره کننده و مدیریت و حاکمیت، باید یک نظام معنوی و الهی باشد.

اینکه علمای اسـلام و ملّت انقلابی ما و دلسوزان جامعه، اینقـدر روی مسأله ولایت فقیه عادل تکیه می کننـد و امام بزرگوار ما (رضوان اللّه تعالی علیه)، آن را آنقدر مهم می شـمردند، به خاطر همین بود که اگر این مسأله معنوی را از جامعه اسـلامی مان سلب بکنیم - همچنان که آن کسانی که دل سپرده به

روش های غربی بودند و ارزش های غربی برای آنها اصل بود، در باب حکومت در جامعه اسلامی می خواستند در سال های اوّل، به همان شیوه های غربی عمل بکنند - و اگر ما این اشتباه را می کردیم و بکنیم که در مسأله حکومت و مدیریت جامعه، ملاک و معیار اسلامی را فراموش بکنیم و به سمت همان فرم های رایج دنیایی برویم، معنای جامعه اسلامی ما از بین خواهد رفت. این نقطه، تعیین کننده است.

شاید این حدیث را ما ها بارها گفته ایم و شنیده ایم و نقل کرده ایم که «لاعذبن کل رعیه فی الاسلام اطاعه اماماً جائراً لیس من اللّه عزّوجلّ و ان کانت الرعیه فی اعمالها بره تقیه و لاعفون عن کل رعیه فی الاسلام اطاعه اماماً هادیاً من اللّه عزّوجلّ و ان کانت الرعیه فی اعمالها ظالمه مسیئه». حاصل اینکه اگر دستگاه مدیریت جامعه، صالح و سالم باشد، خطاهای متن جامعه، قابل اغماض است و در مسیر جامعه، مشکلی به وجود نخواهد آورد. امّا اگر مدیریت و رأس جامعه، از صلاح و سلامت و عدل و تقوا و ورع و استقامت دور باشد، ولو در میان مردم صلاح هم وجود داشته باشد، آن صلاح بدنه مردم، نمی تواند این جامعه را به سرمنزل مطلوب هدایت کند. یعنی تأثیر رأس قله و هرم و مجموعه مدیریت و دستگاه اداره کننده در یک جامعه، اینقدر فوق العاده است. این است که ما روی مسأله غدیر، اینقدر تکیه می کنیم.(۱)

ص:۵۱

۱- ۳۱. سخنرانی در دیدار با جمعی از علما، مسؤولان و مردم شهرهای لاهیجان و رباط کریم، جمعی از دانش آموزان و فرهنگیان استانهای تهران و کرمان و مازندران، رئیس و مسؤولان سازمان ثبت احوال، جمعی از مسؤولان و مدیران سازمان مسکن ۰۴/۱۱/۱۳۶۸.

غدیر، ناسخ سفسطه جدایی دین از سیاست

... اول مسأله، به مستبدان و افسار گسیختگانِ دستگاه حاکمیت در کشور ما و کشورهای دیگر بر می گردد که از هرگونه دخالتی از ناحیه دین و اهل دین و منادیان و علمای دین در پهنه سیاست، میهراسیدند و با آن مخالفت می کردند. استعمارگران هم که قضیه را منطبق با آمال و سیاست های خود می دیدند، آن را دنبال کردند و تِزِ جدایی دین از سیاست، بعد از آنکه بر خلقیّات آحاد مردم متدیّن و حتی بسیاری از علما تحمیل شده بود و به خورد آنها رفته بود، شکل مبنایی هم پیدا کرد؛ یعنی برای آن، استدلال درست کردند و به یک مبنا و یک فکر تبدیل شد.

این همه، مربوط به گذشته است. یکی از بزرگ ترین خدمات حرکت عظیم دینی ملّت ایران، این بود که افسانه غلط «جدایی دین از سیاست» را زایل کرد و از بین برد. هم مردم با انگیزه دین وارد میدان شدند و پرچم آزادی بلند کردند و هم به دستور دین، منادیان احکام دینی و علمای بزرگ، پیشرو قافله آنها شدند و به حرکت درآمدند تا اینکه آن حرکت، منتهی به حاکمیتِ دینِ خدا در این کشور شد. آنگاه برای مسلمین، روشن گردید که امور سیاسی - و برتر از همه امور سیاسی، امر حکومت و ولایت - با دین عجین است و از دین جدایی پذیر نیست.

وقتی نصوص و متون دینی، معنای خود را آشکار کرد، همه فهمیدند که سال ها به چنین امر واضحی توجّه نداشته اند. بدیهی است که یک انحراف، وقتی از سوی دشمنانِ خوشبختی یک ملّت پشتیبانی می شود، به آسانی از بین نمی رود. بنابراین، استدلال هایی جدید برای جدایی دین از سیاست درست

شد. استدلال کردند که «اگر دین را وارد سیاست کنیم و اگر سیاست یک کشور از دین سرچشمه و منشأ بگیرد، چون امور سیاسی و امر حکومت، مشکلات دارد، دنبالش نارضایی ها، دل زدگی ها و ناکامی هاست. لذا، این امر موجب می شود که مردم از اصل دین بیزار شوند. پس اصلاً دین، باید به کل از سیاست کنار برود؛ جنبه قداست پیدا کند؛ نورانیّتی بیابد؛ به کناری بنشیند و به امور معنوی و ذهنی و روحی مردم بپردازد». امروز ایادی استکبار، در دنیا - بخصوص دنیای اسلام - با شیوه های مختلف این استدلال و نظریه را ترویج می کنند.

ناسخ این سفسطه ها، غدیر است. در موضوع غدیر، نبیّ مکرم اسلام به پیروی از امر خدا و به خاطر عمل به آیات صریح قرآن، یکی از بالاترین واجبات را انجام داد: «وَإِن لَّمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ».(۱) قضیه نصب امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام) به ولایت و خلافت، آنقدر مهم است که اگر آن را انجام ندهی، رسالت خود را انجام نداده ای! یا مراد این است که رسالت در این قضیه بخصوص را انجام نداده ای؛ چون خداوند متعال دستور داده است که «این کار را انجام بده». یا از این بالاتر، اصل رسالت پیغمبر، با انجام ندادن این کار، مورد خدشه قرار می گیرد و پایه اش متزلزل می شود. احتمال این هم هست. کأنّه اصل رسالت، تبلیغ نشده است! احتمال دارد، معنا این باشد که در این صورت، قضیه خیلی اهمیّت پیدا می کند، یعنی موضوع تشکیل حکومت،

امر ولایت و امر مدیریّت کشور، جزو متون اصلی دین است و پیغمبر، با این عظمت، اهتمام می ورزد و این رسالت خود را در مقابل چشم آحاد مردم،

۱- ۳۲. سوره مائده، آیه ۶۷.

به کیفیّتی انجام می دهـد که شاید هیچ واجبی را این گونه ابلاغ نکرده است! نه نماز را، نه زکات را، نه روزه را و نه جهاد را. مردم را از قشر ها و قبایل و مناطق مختلف، بر سرِ چهار راه بین مکّه و مدینه به انگیزه انجام امری مهم جمع کند؛ آن گاه چنین رسالتی را ابلاغ فرماید، که در دنیای اسلام بپیچد: «پیغمبر، پیام جدیدی را ابلاغ فرمود».(۱)

شاخصه نظام اجتماعی و سیاسی اسلام

ولایـت که عنوان حکومت در اسـلام و شاخصه نظام اجتماعی و سیاسـی برای اسـلام است، یک معنای دقیق و ظریفی دارد که معنای اصلی ولایت هم همان است و آن عبارت است از پیوستگی، پیوند، در هم پیچیدن و در هم تنیدگی. این، معنای ولایت است. چیزی که مفهوم وحـدت، دست به دست هم دادن، بـا هم بودن، بـا هم حرکـت کردن، اتّحـاد در هـدف، اتّحاد در راه و وحـدت در همه شؤون سیاسـی و اجتماعی را برای انسان، تـداعی می کنـد. ولایت، یعنی پیونـد. «وَالَّذِینَ آمَنُوا وَلَمْ یُهاجِرُوا ما لَکُمْ مِن وَلایَتِهِمْ مِن شَیْ ءٍ حَتَّی یُهاجِرُوا» (۲) یعنی این. پیوند افراد جامعه اسلامی، با هجرت حاصل می شود؛ نه فقط با ایمان. ایمان کافی نیست.

پیوند ولایت که یک پدیده سیاسی، یک پدیده اجتماعی و یک حادثه تعیین کننده برای زندگی است، با تلاش، با حرکت، با هجرت، با در کنار هم بودن و با هم کار کردن حاصل می شود؛ لذاست که در نظام اسلامی «ولیّ» از مردم جدا نیست. ولایت که معنایش پیوند و پیوستگی و با هم بودن است، یک جا هم به

ص:۵۴

۱- ۳۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، به مناسبت «عید غدیر» ۱۸/۲/۱۳۷۵.

۲- ۳۴. سوره انفال، آیه ۷۲.

معنای محبّت می آید، یک جا هم به معنای پشت بانی می آید که همه اینها در واقع مصادیق به هم پیوستگی، وحدت و اتّحاد است، و الّا معنای حقیقی، همان اتّحاد و یگانگی و با هم بودن و برای هم بودن است. معنای ولایت، این است.

اگر با این دیـد به جامعه اسـلامی نگاه کنید، ابعاد این وحدت اجتماعی و وحدت سیاسـی و وحدت معنوی و روحی و وحدت عملی، ابعاد عجیبی می یابد که بسـیاری از معارف اسـلامی را برای ما معنی می کند. به سمت مرکز عالم وجود حرکت کردن انسـان، در جهت ولاـیت اللّٰه حرکت کردن است. همه ذرّات عـالم، خواه ناخواه در چنبر ولایت الهی، در دایره ولایت اللّٰه قرار دارنـد و انسـان هـای آگـاه، مختـار، تصـمیم گیرنـده و دارای حُسن انتخاب، عملاً هم ولایت الهی را بر میگزیننـد و در آن راه حرکت می کنند؛ محبّت الهی را کسب می کنند و خود از محبّت پروردگار، پر می شوند.

صفـای دنیای اسـلام و محیط اسـلامی و محیط معنوی، ناشـی از همین ولایت اللّٰه است. این ولایت الهی، با ولایت خداونـد در عـالم سـیاست و محیط سیاسـی، تفاوت جوهری نـدارد؛ حقیقت هر دو یکی است. لـذا در نظام اسـلامی، حکومت با محبّت، با ایمان، با وحدت و همدلی، همچنین با هم بودن مردم و حکومت، با هم بودن اجزای حکومت و با هم بودن اجزای مردم است؛ اینهاست که مصـداق حقیقی ولایت را در جهانِ متشـتّت و متفرّق و متنازع، متمایز و مشـخص می کند و نشان می دهد که این نظام اسـلامی است. وجه غالب زنـدگی در نظام اسـلامی و در نظام ولایت، بایـد تعاطف، همدلی، تعاون و همکاری باشد؛ لذا شمـا در آیـات کریمه قرآن هم که نگـاه می کنیـد، می بینیـد این مسأله همکاری و همـدلی و همراهی، بخش قابل توجّهی از آیات قرآن را

به خود اختصاص داده است. آیاتی هست که صریحاً در این معناست، مثل «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِیعاً» (۱) و غیر اینها. آیاتی هم هست که اگرچه به صراحت در این معنا نیست، امّا مفاد و جهت حقیقی آن، اتّحاد دل ها و جان ها و همگامی انسان هاست و می دانید که امیرالمؤمنین (صلوات اللَّه و سلامه علیه)، مظهر همدلی یک رهبری سیاسی، یک حاکم سیاسی و یک ولیّ و امام، با آحاد مردم است. مثال زدنی تر از امیرالمؤمنین هم نمی شود کسی را در دنیا و در تاریخ پیدا کرد - علی ولی اللَّه - ولایت به معنای حقیقی، این است. ما از اوّل در نظام مقدّس جمهوری اسلامی، به برکت وحدت و اتّحاد، هر کاری کردیم و توانسته ایم بکنیم.(۲)

ولایت، یعنی حاکمیت انسان های پارسا

یک بعد دیگر در قضیه و حدیث غدیر، همین مسأله ولایت است؛ یعنی تعبیر از حکومت به ولایت؛ «من کنت مولاه فهذا علی مولاه». آن وقتی که پیامبرصلی الله علیه وآله در مقام تعیین حقّ حاکمیت برای یک شخص است، تعبیر مولا را برای او به کار می برد و ولایت او را به ولایت خود مقترن می کند. خود این مفهومی که در ولایت هست، بسیار حائز اهمیّت است؛ یعنی اسلام، منهای همین مفهوم ولایت - که یک مفهوم مردمی و متوجّه به جهت حقوق مردم و رعایت آنها و حفظ جانب انسان هاست - هیچ حاکمیتی را بر مردم نمی پذیرد و هیچ عنوان دیگری را در باب حکومت قایل نیست.

آن کسی که ولی و حاکم مردم است، یک سلطان نیست؛ یعنی عنوان

۱- ۳۵. سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.

۲- ۳۶. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام، به مناسبت عید سعید غدیر، ۲۱/۷/۱۳۷۷.

حکومت، از بُعد اقتدار و قدرت او بر تصرف ملاحظه نمی شود؛ از بعد اینکه او هر کاری که می خواهد، می تواند بکند، مورد توجّه و رعایت نیست؛ بلکه از باب ولایت و سرپرستی او، و اینکه ولیّ مؤمنین یا ولیّ امور مسلمین است، این حقّ یا این شغل یا این سمت مورد توجّه قرار می گیرد.

قضیه حکومت در اسلام، از این جهت مورد توجّه است.

اگر این مفهوم ولایت و آنچه را که اسلام برای ولی و والی به عنوان شرط و وظیفه قرار داده است، بشکافیم - که در کلمات ائمه معصومین در این باب، خیلی حرف های آموختنی وجود دارد، و در همین نامه امیرالمؤمنین به مالک اشتر و آن توصیه های بزرگ، مفاهیم ارزنده زیادی هست - خواهیم دید که مردمی ترین نوع حکومت این است. در فرهنگ بشری - یعنی فرهنگ آزادی خواهان عالم در طول تاریخ - هیچ چیزی که از حکومت زشت باشد، در مفهوم ولایت وجود ندارد. مفهوم استبداد یا خودسری، به میل خود یا به ضرر مردم تصمیم گرفتن، مطلقاً در معنای ولایت اسلامی نیست. نه اینکه یک شخصی نمی تواند به نام ولایت از این کارها بکند؛ خیر، شیاطینی هستند که با همه نام های خوب، همه کارهای بد را در دنیا کرده اند. مقصود، آموزش و درس و راه اسلامی است. البته کسانی که دلباخته مفاهیم غربی و بیگانه از اسلام هستند، ممکن است حرف هایی بزنند، یا تصوراتی بکنند؛ لیکن اینها بر اثر نشناختن مفهوم ولایت است.

ولایت در اسلام، ناشی از ارزش هاست؛ ارزش هایی که وجود آنها، هم آن سمت و هم مردم را مصونیت می بخشد؛ مثلاً عدالت به معنای خاص - یعنی آن ملکه نفسانی - از جمله شرایط ولایت است. اگر این شرط تأمین شد، ولایت یک چیز آسیب ناپذیر است؛ زیرا به مجرد اینکه کمترین عمل خلافی

که خارج از محدوده و خارج از اوامر و نواهی اسلامی است، از طرف آن ولی یا والی تحقق پیدا کرد، شرط عدالت سلب می شود. کوچک ترین ظلم و کوچک ترین کج رفتاری که خلاف شرع باشد، عدالت را سلب می کند. هر تبعیضی، هر عمل خلاف و گناه و ترک وظیفه ای، عدالت را از والی سلب می کند. وقتی هم که عدالت سلب شد، او از آن منصب منعزل می شود.

در کدام سیستم حکومتی دنیا، چنین شکلی وجود دارد؟ در کدام طریقه ضمانت نظارت مردمی، چنین روشی وجود دارد که در آن، خیر انسانیت و خیر جامعه و مصالح بشری و ارزش ها باشد؟ البت تخلف از معیارها، در همه شکل ها می تواند صورت بگیرد. بر فرض حفظ معیارها، شما ملاحظه کنید ببینید، این چه شکل متینی است که اسلام مقرّر کرده است.

ما مسلمین باید ولایت را تجربه کنیم. در طول قرن های متمادی نگذاشتند. چه کسانی نگذاشتند؟

همان کسانی که حکومت به سبک ولایت، آنها را از مسند قدرت و حکومت کنار می زند؛ و الّا به نفع مردم است.

کدام کشورها هستند که اگر در رأس حاکمیت شان یک انسان پرهیزگار پارسای مؤمن مراعات کننده اوامر و نواهی الهی و عامل به صالحات و حسنات باشد، برای آنها بهتر نباشد، از اینکه فرد می گسار شهوت ران پول پرست دنیاپرستی بر سر کار باشد؟ هر ملّت و هر مذهبی که می خواهند، داشته باشند.

ولایت، یعنی حاکمیت انسان های پارسا، انسان های مخالف با شهوات و نفس خودشان، انسان های عامل به صالحات. این، معنای ولایت اسلامی است. کدام ملّت و کدام کشور است که این را نخواهند و به نفعشان نباشد؛

ص:۵۸

مفهوم آن را تصور کننـد و تصـدیق نکننـد؟ چه کسانی با این اصل و با این روش مخالفند؟ معلوم است؛ آن قدرت طلبانی که در وجود و نفس خودشان، تحقق آن معیارها - یعنی تحقق پارسایی، تخلی از شـهوات و بی اعتنایی به زخارف دنیا - را عملی نمی بینند.

کـدامیک از این قدرتمندانی که امروز زمام های امور را در دنیا به دست گرفته اند، حاضـرند اساس حکومت و ولایتی باشـند که اسلام گفته است؟

مـا همیشه این را گفته ایم و این جزو مسلّمات انقلاـب مـاست که انقلاـب و نظـام جمهوری اسـلامی، یـک تعرض عمومی به فرهنگ غیر اسـلامی و ضد اسلامی است که امروز بر قدرت های جهانی حاکم است و ارکان قدرت جهنی بر اساس آن شکل گرفته است. به همین خاطر، با اسلام و با این انقلاب و این نظام مخالفند؛ زیرا اجزای فرهنگ سیاسی رایج بین قدرتمندان عالم را زیر سؤال برده است. فرهنگ ما، فرهنگی مغایر با آن فرهنگ هاست؛ کما اینکه وضع حکومت و قدرت سیاسی و رابطه آن قدرت با مردم و پیوندهای بین آنها و مردم را مشاهده می کنید.(۱)

مسأله ولایت در اسلام

در روایـات مـا، از ایـن عیـد بـه «عیـد اللَّه الا ـکبر» - بزرگ ترین عیـد الهی - تعـبیر شـده است. یـک وقت مسأله این است که شخصیّت والایی مثل امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام) که از همه خصوصیات و جهات، منحصر به فرد است، در

ص:۵۹

۱- ۳۷. سخنرانی در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت عید سعید غدیر، ۲۰/۴/۱۳۶۹.

مراسمی به حکومت برگزیده شده است. البته این، مطلب مهم و حادثه عظیمی است و جا دارد که در طول سال های متمادی - بلکه قرن ها - برای این واقعه عید گرفته شود. معمول هم هست که وقتی مردم به کسی علاقه و اعتقاد دارند، هنگامی که او به امکانی دست پیدا می کند - به حکومت و قدرت و ریاست می رسد - اظهار شادمانی و خوشحالی می کنند. البته این هم مهم است و امر کوچکی نیست که کسی مثل امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام) به حاکمیت امّت اسلام منصوب شود؛ لیکن مسأله غدیر، از اینها بالاتر است.

مسأله غدیر، فقط از این جهت شرافت ندارد که در آن شخصی مثل امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام) که هم طراز او در عالم وجود کسی نیست، به حکومت و خلافت و ولایت منصوب شده است؛ بلکه علاوه بر این، جهت مهم دیگری در غدیر است - شاید جهاتی وجود دارد، ولی ما این جهت را امروز می خوانیم عرض کنیم - که از نفْس نصب امیرالمؤمنین به عنوان یک شخص، اهمیّت کمتری ندارد و آن، عبارت از اصل مسأله ولایت است؛ مضمون ویژه ای که در مسأله ولایت در اسلام وجود دارد.

آن چیزی که در طول زمان، به صورت یک جریان باقی می ماند و افراد بشر می توانند از آن درس بگیرند و زندگی و آینده خودشان را با آن تطبیق دهند، مضمونی است که در حادثه غدیر وجود دارد. نفس اینکه خدای متعال، دستور خاصّی صادر می فرماید و براساس این دستور، نبیّ مکرم اسلام صلی الله علیه وآله کسی را به عنوان «ولی» معین می کند - آن هم کسی با این خصوصیات - یک امر مهم و یک درس بزرگ و بخش مهمّی از اسلام است. شاید بشود گفت که اساس و پایه حقیقی اسلام، در این بخش از قضیه است. مضمون حقیقی غدیر، اهمیتش

چنان است که آیه قرآن می فرماید: «وَإِن لَّمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ».(۱)

مضمون غدیر و حقیقت این نصب چیست که اینقدر حائز اهمیّت است؟ این قضیه، ابعاد گوناگونی دارد. یکی همین مسأله است که اداره امور بشر، یک امر الهی است و بشری نیست و با همه مسائل دیگر انسان، تفاوت دارد.

کسانی ممکن است از این جنبه، سوء استفاده کنند و بسیاری از خلاف کاری ها و کج رفتاری ها را به حساب ارتباط با خدا بگذارند. البته در مورد همه حقایق عالم، ممکن است چنین سوء استفاده هایی اتفاق بیفتد. از خودِ مسأله نبوّت هم کسانی سوء استفاده نمودند؛ ادعای نبوّت کردند و کسانی را به گمراهی کشاندند. این، دلیل نمی شود که ما از این بُعدِ با این عظمت، به آسانی عبور کنیم. خودِ این، یک نکته است که مسأله اداره امور اجتماع و مسیر و سرنوشت و آنچه که سازنده دنیای بشر است، چیزی است که به معدن اراده الهی و نصب الهی ارتباط پیدا می کند.

یک بُعد از این مضمون، این است.

بُعد دیگری که من امروز می خواستم قدری روی آن تکیه کنم، کلمه و مضمون ولایت است که در ماجرای غدیر تکرار شد: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه». پیامبر اکرم در این ماجرای تاریخی و در این نصب بزرگ، حکومت را با تعبیر «ولایت» بیان کرد. در زبان عربی و زبان های دیگر، برای این پدیده ای که اسمش حکومت و زمامداری و حکمرانی است - یعنی کسی یا جماعتی که بر یک جامعه حکومت می کند و فرمان می راند - تعبیرات گوناگونی آورده شده است که هر یک از این تعبیرات، اشاره به جهت خاصی

۱- ۳۸. سوره مائده، آیه ۶۷.

است؛ مثلاً تعبیر حکومت، اشاره به این دارد که آن کسـی که در رأس قدرت است، یا آن جماعتی که در رأس قدرتند، حکم می کنند و جامعه و افراد مردم، حکم و فرمان آنها را اطاعت می کنند. یک تعبیر دیگر، تعبیر سـلطنت است که به معنای مسلّط بودن و مقتـدر بودن و امور را در سـلطه خود درآوردن است. در فارسـی نیز همین تعابیر وجود دارد؛ مثلاً زمامـداری، اشاره به یـک جنبه از حکومت است. یـا مثلاً حکمرانی و فرمانـدهی، هر کـدام به یک جنبه اشاره می کنـد. در اسـلام، بیشتر از همه بر روی کلمه «ولا‌یت» تکیه شـده است. هم در اینجـا و هم در آیه شـریفه «إِنَّمـا وَلِیُّکُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ» (۱) پدیـده حکومت را با نام «ولایت» بیان کرده است.

ولایت، معنای عجیبی است. اصل معنای ولایت، عبارت از نزدیک بودن دو چیز با یکـدیگر است. فرض بفرماییـد وقتی که دو ریسـمان، محکم به هم تابیـده می شونـد و جـدا کردن آنهـا از یکـدیگر، به آسـانی ممکن نیست، آن را در عربی «ولایت» می گویند. ولایت، یعنی اتصال و ارتباط و قرب دو چیز به صورت مماس و مستحکم با یکدیگر. همه معانیی که برای «ولایت» در لغت ذکر شـده است - معنـای محبّت، معنـای قیمومیت و بقیه معانی، که هفت، هشت معنا در زبان عربی هست - از این جهت است که در هر کـدام از اینهـا، به نـوعی این قرب و نزدیکی بین دو طرف ولا‌یت وجود دارد؛ مثلاً «ولا‌یت» به معنـای محبّت است؛ چون محبّ و محبوب، با یکدیگر یک ارتباط و اتصال معنوی دارند و جدا کردن شان از یکدیگر، امکان پذیر نیست.

اسلام، حکومت را با تعبیر «ولایت» بیان می کند و شخصی را که در رأس

۱- ۳۹. سوره مائده، آیه ۵۵.

حکومت قرار دارد، به عنوان والی، ولیّ، مولا - یعنی اشتقاقات کلمه ولایت - معرفی می کند. معنای آن چیست؟ معنای آن، این است که در نظام سیاسی اسلام، آن کسی که در رأس قدرت قرار دارد و آن کسانی که قدرتِ حکومت بر آنها در اختیار اوست، ارتباط و اتصال و پیوستگیِ جدایی ناپذیری از هم دارند. این، معنای این قضیه است. این، فلسفه سیاسی اسلام را در مسأله حکومت برای ما معنا می کند. هر حکومتی که اینطور نباشد، این ولایت نیست؛ یعنی حاکمیتی که اسلام پیش بینی کرده است، نیست. اگر فرض کنیم در رأس قدرت، کسانی باشند که با مردم ارتباطی نداشته باشند، این ولایت نیست. اگر کسانی باشند که رابطه آنها با مردم، رابطه ترس و رعب و خوف باشد - نه رابطه محبّت و التیام و پیوستگی - این ولایت نیست. اگر کسانی با کودتا بر سر کار بیایند، این ولایت نیست. اگر کسی با وراثت و جانشینی نَسَبی - منهای فضایل و کیفیات حقیقی که در حکومت شرط است - در رأس کار قرار گیرد، این ولایت نیست. ولایت، آن وقتی است که ارتباط والی یا ولیّ، با مردمی که ولایتِ بر آنهاست، یک ارتباط نزدیک، صمیمانه، محبّت آمیز و همانطوری که در مورد خود پیامبر وجود دارد - یعنی «بَعَثَ فِیهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنفُسِهِمْ» (۱) یا «بعث منهم»؛ «از خود آنها کسی را مبعوث کرده است» - باشد؛ یعنی از خود مردم کسی باشد که عهده دار مسأله ولایت و حکومت باشد. اساس کار در حاکمیت اسلام این است.

البته معیارها سر جای خود محفوظ است. اگر کسی همین ارتباط با مردم را بدون داشتن آن معیارهای واقعی پیدا کرد، این باز هم ولایت نیست و این

۱- ۴۰. سوره آل عمران، آیه ۱۶۴.

ملاک ها را ندارد؛ اگرچه ممکن است بُعد دیگری را داشته باشد. پس، علاوه بر آن معانی حقیقیی که وجود دارد، حکومت در اسلام، حکومت ولایی است و ولایت یعنی حکومت، که با این تعبیر لطیف و متناسب با شخصیّت و شرافت انسان بیان شده است. در اسلام، چون افراد جامعه و افراد انسان، در حساب سیاسی اسلام به حساب می آیند، در واقع همه چیز مردمند. مردم هستند که شخصیّت و خواست و مصالح و همه چیز آنها، در نظام سیاسی اسلام به حساب می آید. آن وقت، ولایت الهی، با چنین حضوری از مردم معنا می دهد. حقیقت ولایت الهی این است: ارتباط با مردم.

لذا شما می بینید امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام) که مظهر ولایتِ اسلام و مصداق کامل ولیی است که برای مردم مشخّص شده است، در هیچ برهه ای، از این حالت ارتباط و اتصال و انسجام با مردم خالی نبوده است. نه در دورانی که او را عملاً از حکومت کنار گذاشتند و مردم را از او به عنوان ارتباطِ حکومتی جدا کردند؛ یعنی عملاً حکومت را از او گرفتند، ولایت و حکومت و فرماندهی و حکمرانیی که در اسلام، از آن به «ولایت» تعبیر می شود و حق او بود از او سلب کردند - البته ولایت معنوی، آن چیزی که در امامت تشیّع فرض شده است و وجود دارد، در هر حال هست و بسته به ولایت ظاهری نیست - و نه در دوره های دیگر، از ارتباط و اتصال با مردم خالی نبوده است. در همان وقت هم امیرالمؤمنین یکی از آحاد ملّت و جزو مردم است. منزوی و منعزل و کناره جوی از مردم نیست. آن وقتی هم که به حکومت می رسد، یک حاکم به تمام معنا و مردمی است. این چیزی است که در نظام جمهوری اسلامی، در حدّ بالایی تجربه شد. نظام مقدّس جمهوری اسلامی، قدرت خود را از همین معنا گرفته است. مسؤولان و زمامداران امور

کشور، به تمام معنی کلمه، با مردم مرتبط و متّصلند. هم از لحاظ عاطفی با مردم یکی هستند؛ یعنی عواطف مردم، با مسؤولان نظام جمهوری اسلامی پیوند خورده است و به آنها محبّت می ورزند، و هم از لحاظ فکری، مرتبط با مردمند؛ یعنی نماینده طرز فکر ملّت ایرانند. البته در هر ملّتی ممکن است افکار شاذّی از لحاظ اعتقادی و دینی وجود داشته باشد که برخلاف نظر اکثریت مردم باشد؛ لیکن آن چیزی که نمودار ملّت ایران است، در مسؤولان کشور تجلّی و ظهور پیدا کرده است. در واقع، مسؤولان کشور، مظهر رسمی و کامل تفکّر ملّت ایرانند. این، نکته بسیار مهمّی است. مردم در همه مراحل، با نظام سیاسی جمهوری اسلامی، احساس پیوستگی و جوش خوردگی می کنند. با یکدیگر جوش خورده اند، با هم اند، جدایی ناپذیرند. نظام سیاسی اسلام، قدرت خود را از این گرفته است.(۱)

غدیر مصداق عینی ولایت

روز عید غدیر «عید ولایت» نامیده می شود. نام گذاری درستی است؛ روزی است که مفهوم ولایت اسلامی به وسیله پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله یک مصداق روشن و عینی پیدا کرد.

برای کسانی که می خواهند از الگوی انسان طراز اسلام، نمونه ای ذکر کنند، بهترین نمونه همان کسی است که آن روز نبیّ مکرّم اسلام صلی الله علیه وآله، او را به الهام الهی و به دستور پروردگار عالم، برای منصب عظیم ولایت، معین فرمود. معنای ولایت و مفهوم عظیمی که در روز عید غدیر، مصداق مشخّصی پیدا

---

۱ - ۴۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت عید سعید غدیر، ۶/۲/۱۳۷۶.

کرد، یکی از نکات اساسی است که برای جامعه اسلامی ما و صاحبان فکر، نقطه حسّاسی است و جا دارد روی آن تأمّل کنند.

وقتی که در نظامی، ولی اللَّه - کسی مثل پیغمبر اکرم یا امیرالمؤمنین - در رأس نظام قرار دارد، آن جامعه، جامعه ولایت است؛ نظام، نظام ولایت است. ولایت، هم صفتی است برای منصبی که نبیّ اکرم و جانشینان او از سوی پروردگار، حائز آن بوده اند، هم خصوصیتی است برای آن جامعه اسلامی که در سایه آن حکومت، زندگی می کند و از پرتو آن بهره می گیرد.

من این نکته را بارها عرض کرده ام، امروز هم می خواهم بر روی همان نکته تکیه کنم؛ برای اینکه مسائل زندگی، مسائل سرنوشت ساز و وظیفه مهم ملّت اسلام، وابسته به همین نکات اساسی و زیربنایی است.(۱)

غدیر، مضمونی متعلق به همه مسلمانان

اگرچه ارتباط قلبی ما شیعیان با واقعه غدیر، ارتباط مستحکم و برجسته ای در دنیای اسلام است، ولی حقیقت این است که مسأله غدیر در محتوا و روح حقیقی خود فقط متعلق به شیعیان نیست بلکه به همه دنیای اسلام تعلق دارد. چون حادثه غدیر برخاسته از روح و مضمون حقیقی اسلام است. اینکه خدای متعال به پیغمبر اکرم - با آن همه مجاهدت ها - حدود هفتاد روز قبل از وفاتش بفرماید که «یاأَیُّها الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ»؛(۲) «آنچه را که به تو دستور دادیم، به مردم

۱- ۴۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام، به مناسبت عید سعید غدیر، ۲۱/۷/۱۳۷۷.

۲- ۴۳. سوره مائده، آیه ۶۷.

برسان و اگر نرسانی، رسالت خود را انجام نـداده ای»، نشان دهنده این است که روح و مضـمون حقیقی اسـلام در واقعه غدیر وجود دارد. دو مطلب در غـدیر هست: یکی تعیین امیرالمؤمنین علی بن ابی طـالب (علیه الصـلاه و السـلام) است و دیگری آن معیارهایی است که نبی اکرم صلی الله علیه وآله در بیان علّت و فلسفه تعیین امیرالمؤمنین در خطبه غدیر بیان می فرماید.

ایـن حرکـت بزرگ و تاریـخ سـاز، یعنی نصب امیرالمـؤمنین (علیه الصـلاه و السـلام) متکی به ملاـک هـایی است و این کـار، مفهومی دارد. اگرچه ولایت یک امر سیاسـی است، امّا همه مضـمون ولایت در سـیاست خلاصه نمی شود. این ولایت، پرتوی از ولاـیت ذات مقـدّس پروردگـار است. این ولایت، ناشـی از حضور ولایت الهی در وجود امیرالمؤمنین است، همچنان که در وجود پیامبر مکرّم اسلام بود. این ولایت، فرعی از آن اصل و میوه ای از آن ریشه است. لذا از آن به «ولایت» تعبیر شده است. ولایت در حقیقت به معنای پیوند، ارتباط و اتصال است. آن کسی که منصوب به این مقام است، برخلاف حکام و فرمانروایان عالم، فقط یک فرمانروا یا یک سـلطان و یک حاکم نیست بلکه یک ولی است، به مردم نزدیک است، به آنها پیوسـته است و مورد اتکای دل و جان مردم است. این معنا در امیرالمؤمنین و در ائمه معصومین علیهم السلام وجود دارد. بعد از دوران حضور ائمه هم اگر پرتوهـای ضـعیفی از این حقیقت در جایی پیـدا شود، ولایت در آنجا شـکل می گیرد. حقیقت و معنای واقعی امر این است، لذا نبی اکرم در بیان صـفات امیرالمؤمنین می فرماید: «اعدلکم فی الرعیه؛ او عادل ترین شما در بین مردم است». هم عدالت درونی و معنوی و فردی امیرالمؤمنین مراد است و هم عدالت رفتاری و عدالت اجتماعی او. اینها

چیزهایی است که در زبان به آسانی می شود بیان کرد، امّا در تحقق و تبلور در عمل است که انسان به عظمت این حقیقت و کسانی که تجسم این حقیقت بوده اند، پی می برد. عدالت به معنای واقعی کلمه در وجود امیرالمؤمنین، در رفتار او، در تقوای او و در توجّه او حضور دارد. در رفتار بیرونی او هم عدالت تجسم پیدا می کند. امروز بعد از گذشت قرن ها، اگر بخواهیم عدالت را تعریف کنیم و آن را در ضمن مثال و نمونه بیان کنیم، هیچ مثالی رساتر و گویاتر از رفتار امیرالمؤمنین علیه السلام نمی توانیم پیدا کنیم. این است که نبی اکرم او را به امر پروردگار و با نصب الهی به مردم معرفی و به مقام ولایت منصوب می کند. این یک حقیقت اسلامی است. این کجا و اینکه کسی معتقد باشد که هر ظالمی با هر شیوه و رفتار بازیگرانه ای توانست زمام قدرت را در دست بگیرد، مردم باید از او اطاعت کنند، کجا؟! این اسلام است یا آن؟!

لذا مسأله غدیر با این مضمون والا متعلق به همه مسلمان هاست، چون به معنای حاکمیت عدل، حاکمیت فضیلت و حاکمیت ولایت اللَّه است.(۱)

غدیر، نور هدایت، برای همه و همیشه

حوادث بزرگ و مقاطع تاریخی، برای همه شیوا و مهم و درس آموز است، نه فقط برای کسانی که در آنها حضور داشتند؛ چون حادثه بزرگ شروع یک حرکت و آغاز یک راه و بهار یک مجموعه از زندگیِ جامعه و انسان است. شاید اکثر آن کسانی هم که در ماجرای بیعت امیرالمؤمنین (علیه الصلاه

۱- ۴۴. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام به مناسبت عید غدیرخم ۱/۱۲/۱۳۸۱.

و السلام) گِرد آن بزرگوار را گرفتند و با او بیعت کردند و پای فشردند و فداکاری نمودند، واقعه غدیر و به طریق اولی ظهور اسلام و جنگ های امیرالمؤمنین را ندیده بودند. امّا اسلام و هدایت و نور آن فقط برای کسانی نیست که در آن وقت حضور داشتند، بلکه برای همه و برای همیشه است: «وَآخَرِينَ مِنْهُمْ لَمّا يَلْحَقُوا بِهِمْ» (۱) انقلاب اسلامی شروع یک راه پر افتخار و سعادت بخش بود.(۲)

مفهومی الهام بخش و نجات دهنده

یک عدّه هستند که تصور می کنند می شود ملّتی مسلمان بود؛ امّا به احکام اسلامی عمل نکرد! این تصوّر، معنایش جدایی دین از سیاست است. معنایش این است که اسم تان مسلمان باشد، امّا به احکام اسلامی عمل نکنید و سیستم بانکداری، اقتصاد، آموزش و پرورش، شکل و محتوای حکومت و ارتباطات فرد و جامعه تان، به خلاف اسلام و طبق قوانین غیر اسلامی و حتی ضد اسلامی باشد. البته این، در مورد کشورهایی است که قانون دارند؛ اگرچه طبق اراده و خواست یک انسان قاصر و ناقص باشد. امروز در بعضی کشورهای اسلامی، حتی قانون هم نیست؛ حتی قانون غیر اسلامی هم وجود ندارد و اراده اشخاص مهم است. در رأس قدرت یک نفر نشسته است و دستور می دهد: این طوری شود، آن طوری شود. نمی شود که ما فرض کنیم عدّه ای مسلمانند، امّا از اسلام فقط نماز، روزه، طهارت و نجاست و امثال این چیزها را دارند. در جوامعی که می خواهند مسلمان باشند، اسلام باید حاکم باشد. غدیر، این پیام

۱- ۴۵. سوره جمعه، آیه ۳.

۲- ۴۶. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مردم قم ۱۹/۱۰/۱۳۸۱.

را داشت. امروز بسیاری از جوامع، چوب عدم اعتقاد به این معنا را می خورند. ببینید ماجرای غدیر، اینجا چقدر می تواند الهام بخش باشد!

نکته دوم این است که بعضـی از کشورهایی که به نحوی خودشان را مقیّد به احکام اسلامی نشان می دهند، برای مسائل شان، به آیه و روایتی اسـتناد می کنند؛ چهار نفر عمّامه به سر را هم به خدمت می گیرند، برای اینکه در جایی برایشان فتوایی بدهند و کاری کنند. این کشورها، اگرچه به ظاهر چیزی مثل حاکمیّت اسـلامی دارند، امّا حاکمیّت اسـلامی با ارزش ها و معیارهای نبوی و علوی، علم و تقوا، عـدالت، عبودیّت خـدا و خشـیّت الهی و «ترتعـد فرائسه فی المحراب» که روش انبیـا و اولیا و مقرّب ترین افراد به خـدا بوده است، در جامعه شان مطرح نیست. اگر تعبیرات تندتر و واضح تری نخواهیم بکنیم، آنها یک عدّه آدم های دور از دینند.

پس، غـدیر یک مفهوم مترقّی و نجات بخش است. ولایت در اسـلام یک مفهوم عالی است. این را بایـد بفهمند. شـیعه باید به ولایت افتخار کند و غیر شـیعه هم سـعی کند آن را بشـناسد. بحث علمی و دانستن که دعوا ندارد. بدانند که اصلاً این موضوع چیست.(۱)

غدیر، مایه وحدت اسلامی

همین مسأله غـدیر هم می توانـد مـایه وحـدت باشـد؛ همچنان که مرحوم آیت اللّه شـهید مطهری مقاله ای با عنوان «الغـدیر و وحـدت اسـلامی» دارد. او کتاب الغـدیر را - که درباره مسائل مربوط به غـدیر است - یکی از محورهای وحدت اسـلامی می داند که درست هم هست. ممکن است به نظر عجیب

ص:۷۰

۱- ۴۷. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران، به مناسبت «عید غدیرخم» ۲۸/۲/۱۳۷۴.

بیایـد، امّا واقعیت مطلب همین است. خودِ مسأله غدیر، غیر از جنبه ای که شیعه آن را به عنوان اعتقاد قبول کرده است - یعنی حکومت منصوب امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام) از طرف پیامبر که در حدیث غدیر آشکار است - اصل مسأله ولایت هم مطرح شده است. این دیگر شیعه و سنّی ندارد. اگر امروز مسلمانان جهان و ملّت های کشورهای اسلامی، شعار ولایت اسلامی سر دهند، بسیاری از راه های نرفته و گره های ناگشوده امّت اسلامی باز خواهد شد و مشکلات کشورهای اسلامی به حل نزدیک خواهد گشت.

مسأله حکومت و نظام سیاسی و حاکمیت سیاسی، یکی از دشوارترین مسائل برای کشورهاست. بعضی کشورها دچار استبداد و دیکتاتوری اند؛ بعضی دچار حکومت های فاسدند؛ بعضی دچار حکومت های ضعیفند؛ بعضی دچار حکومت های دست نشانده اند. اگر حکومت اسلامی به معنای حقیقی - یعنی همان ولایت - به عنوان شعار برای مسلمانان مطرح شود، علاج ضعف را هم می کند؛ علاج اقتصاد را هم می کند؛ علاج دست نشاندگی را هم می کند؛ علاج دیکتاتوری را هم می کند. بنابراین، پرچم ولایت، یک پرچم اسلامی است. من از همه برادران شیعه و سنی در کشور خودمان دعوت می کنم - فعلاً آن محدوده جغرافیایی خودمان را مطرح می کنم - که به مسأله غدیر با این چشم نگاه کنند و این بخش از حدیث غدیر و مسأله غدیر را مورد توجّه قرار دهند. برادران سنّی ما هم مثل ما روز غدیر را عید بگیرند؛ عید ولایت. برای اینکه اصل تولّد مسأله ولایت، اهمیتش بسیار زیاد است؛ مثل اهمیّت ولایت امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام) که این دیگر بین ما و برادران سنّی مشترک است.

هم در دوران بعد از پیروزی انقلاب و هم پیش از پیروزی انقلاب،

همیشه عقیده من بر این بود که امروز شیعه و سنّی باید اختلافات دیرین خود را در تعامل روزمرّه خودشان کنار بگذارند.(۱)

غدیر و رشد و هدایت جهان اسلام

خودِ حادثه غدیر هم، دارای ابعاد بسیاری است. حقیقتاً مسلمین عالم می توانند از همین حادثه، وسیله ای برای رشد و هدایت وافی و کامل همه جهان اسلام پیدا کنند. هیچ کس هم وقوع این حادثه و صدور آن کلمات را از نبیّ مکرم اسلام منکر نشده است.

مثل چنین روزی، در آن موقعیت مهم و حسّاس که پیغمبر اکرم (علیه و علی آله الصلاه و السلام)، آخرین ماه های حیات مبارک خود را می گذراند، امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام) را به ولایت - یعنی سرپرستی مسلمین - و به حکومت - یعنی مدیریّت جامعه اسلامی - نصب فرمود. ولایتی که در اینجا مورد نصب و محلّ اشاره پیغمبر اسلام قرار گرفته، صرفاً آن ولایت کلیّه الهیّه معنوی که مبتنی بر عناصر دیگری است، نیست. بلکه یک امر الهی و یک فرمان آسمانی و ملکوتی است که با این بیان تشریعی نبوی که فرمود: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» قابل نصب و جعل نیست. این بیان پیغمبر که ولایت را به امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام) سپرد، مبیّن نصب تشریعی است و به معنای حکومت، مدیریّت جامعه اسلامی و ولایت امر مسلمین است که البته با ولایت کلیّه الهیّه که در وجود مقدّس پیغمبر و ائمه هدی علیهم السلام وجود داشت، همراه است. آن ولایت به آن معنا، در ائمه ای هم که به ولایت ظاهری

۱- ۴۸. بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضاعلیه السلام در مشهد مقدّس ۱۳۷۹/۱۰/۶.

نرسیدند وجود داشت. ولایتی که از آنِ امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام) و منصوب پیغمبر بود ولایت سیاسی بود. همان معنایی که ذات اقدس پروردگار آن را به وسیله پیغمبر اکرم در اسلام به وجود آورد و جعل کرد، و با آن معلوم شد که اسلام در ردیف والاترین احکام و مقرّرات خود، مسأله حکومت و ولایت و سر پرستی امّت را دارد. اگر کسی از این بُعد به موضوع غدیر نگاه کند، بسیاری از اشتباهاتی که متأسفانه در طول قرن ها در اذهان وجود داشته است، باید برای او زایل شود.(۱)

طرح کلی اسلام برای هدایت انسان ها

غدیر را فقط در حدّ یک نصب یا معرفی ساده که پیغمبر اکرم کسی را معرفی کرد، تلقّی نکنید. البته پیغمبر، امیرالمؤمنین را در حضور جمع چند ده هزار نفری مسلمان ها به خلافت منصوب کرد. در این تردیدی نیست و این مطلبی نیست که فقط شیعه آن را نقل کند. حادثه غدیر را برادران اهل سنّت ما و محدّثان آنها در کتاب های خود با همان خصوصیّاتی که شیعه نقل می کند، نقل کرده اند. این چیزی نیست که کسی بتواند آن را انکار کند؛ امّا قضیه در این حدّ متوقّف نمی ماند. مسأله این است که از دوران حضرت آدم که رشته نبوت ها و رسالت ها شروع شد و بارها و بارها حکومت های نبوی در طول تاریخ تشکیل گردید - مثل سلیمان و داود و کسان دیگری از بنی اسرائیل تا زمان پیغمبر ما - آنجایی که ترکیب بدیع و شیوای دین و سیاست در اوج خود به صورت یک سنّت ماندگار درآید و هدایت جامعه را تضمین کند، در قضیه

ص:۷۳

۱- ۴۹. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، به مناسبت «عید غدیر» ۳/۸/۱۳۷۳.

غـدیر اتفـاق افتـاد. لـذا در همین دعـای نـدبه ای که عرض کردم، می خوانیم: «فلمّـا انقضت ایـامه اقـام ولیّه علی بن ابی طالب صلواتک علیهما و آلهما هادیاً اذ کان هو المنذر و لکلّ قوم هاد». چقدر خوب است که ما به معارفی که به برکت هدایت اهل بیت علیهم السـلام اینطور ارزان در اختیـار افکـار مـا قرار گرفته است، بـا دقت و تأمّل توجّه کنیم. دعای نـدبه - همان طور که عرض کردم - یک خطبه غرّاست و تاریخچه این فکر و ریشه این حرکت را از دوران رسالت ها بیان می کند. اگر دقت کنید، در این دعا هیچ نقطه اختلاف انگیزی بین شـیعه و سـنّی - که جنگ تاریخیِ برافروخته شده به دست انسان های با انگیزه های مختلف است - وجود نـدارد و مسـأله امامت و ولایت به صورت اسـتدلالی بیان می شود. «اذ کان هو المنـذر و لکلّ قوم هاد»؛ یعنی پیغمبر دارای مقام رسالت و انذار و تبشیر است؛ آغاز کننده یک راه و باز کننده افق در مقابل بشریت است.

امّا پیغمبر، ابدی و دائمی نیست. جوامع، هدایت کننده لازم دارند. این هدایت کننده را اسلام پیش بینی کرده است: معصومین در نسل های متعـدّد پشت سر هم بیاینـد، زمام امور را به دست گیرنـد، جامعه را با تعلیمات قرآنی ناب و خالص در طول چند نسـل و چنـد قرن هـدایت کننـد و در واقع همه افکار و خصوصـیات و رفتارها و خلقیات اسـلامی را در جامعه اسـلامی نهادینه کننـد. البته بعـد از آن، بـاز حجت خـدا در میان مردم زنـده می مانـد؛ چون دنیا و بشـریت بـدون قیام حجت امکان نـدارد؛ امّا بشریت راه خود را پیدا می کرد، که این البته اتفاق نیفتاد. نقشه و طرح کلّیِ اسلام این است و این معنای غدیر است.(۱)

ص:۷۴

۱- ۵۰. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در سال روز عید سعید غدیرخم ۲۴/۱۲/۱۳۷۹.

غـدیر خم، برای کسانی که اهل معنا و معنویت و درک حقایقند، درس های فراوان و بی نهایت و فوق العاده ای دارد. برای ما نیز، درس صـفا و معنـویت و تقـوا در مـدیریت کشور و همه بازوهـای گرداننـده و اجرایی دارد. مـا بایـد این درس را از غـدیر بگیریم و مطمئناً در این راه، دست قـدرت الهی، کمـک و پشتیبـان ماست. اراده الهی بر این است که در این برهه از زمان، ان شـاء اللّه کلمه حقّ پیروز بشود و اسـلام جایگـاه برجسـته خودش را در دنیا پیـدا بکنـد و این تلاش های دشـمنان هم، به جایی نخواهد رسید.(۱)

درس فراموش نشدنی غدیر

... با مطرح کردن امیرالمؤمنین (علیه الصـلاه و السلام) و با نصب آن بزرگوار برای حکومت، معیارها و ارزش های حاکمیّت، معلوم شد. پیغمبر در قضـیه غدیر، کسـی را در مقابل چشم مسـلمانان و دیدگان تاریخ قرار دادند که از ارزش های اسلامی، به طور کامل برخوردار بودنـد. یک انسان مؤمن؛ دارای اعلای تقوا و پرهیزکاری؛ فداکار در راه دین؛ بی رغبت نسـبت به مطامع دنیوی؛ تجربه شـده و امتحـان داده در همه میـدان های اسـلامی: میـدان های خطر؛ میـدان های علم و دانش؛ میـدان قضاوت و امثـال اینها؛ یعنی با مطرح شـدن امیرالمؤمنین (علیه الصـلاه و السـلام) به عنوان حاکم و امام و ولیّ اسـلامی، همه مسـلمانان در طول تاریخ باید بدانند که حاکم اسلامی، انسانی که از آن

۱- ۵۱. سخنرانی در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت عید سعید غدیر، ۲۰/۴/۱۳۶۹.

ارزش ها نصیبی ندارند؛ از فهم اسلامی، از عمل اسلامی، از جهاد اسلامی، از انفاق و گذشت، از تواضع و فروتنی در مقابل بندگان خدا و آن خصوصیّاتی که امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام) داشتند، بهره ای نداشته باشند، شایسته حکومت کردن نیستند. پیغمبر، این معیار را در اختیار مسلمانان گذاشتند. و این، یک درس فراموش نشدنی است.(۱)

درس غدیر در دو قلمرو اساسی

بدون شک روز «عید غدیر» اهمیّت بسیاری دارد. در روایات ما وارد شده که عظمت این روز، حتی از روز «عید فطر» و روز «عید قربان» هم بیشتر است. نه اینکه از اهمیّت آن دو عید عظیم اسلامی چیزی کم بشود، بلکه به خاطر اینکه این عید حاوی یک مضمون والاتر است. اهمیّت این عیدی که طبق روایات ما برترین اعیاد است، در همین است که متضمن موضوع ولایت است. شاید بتوان گفت که هدف از همه زحماتی که پیغمبر اکرم و بزرگان دین و انبیاء الهی (علیهم الصلاه و السلام)، متحمل شده اند، استقرار ولایت الهی بوده است. گویا در روایتی از امام صادق (علیه الصلاه و السلام) است که در مقام هدف جهاد فی سبیل اللّٰه – مجموعه تلاش هایی که برای دین می شود – فرموده اند: «لیخرج الناس من عباه العبید الی عباده اللّٰه و من ولایه العبید الی ولایه اللّٰه؛ هدف این است که انسان ها را از ولایت بندگان و بردگان – با معنای وسیعی که این کلمه دارد – خارج سازند و به ولایت اللّٰه نائل کنند». منتها در موضوع عید غدیر، این نکته هم وجود دارد که در باب ولایت، دو قلمرو اساسی هست: یکی قلمرو نفس

ص:۷۶

۱- ۵۲. سخنرانی در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت عید سعید غدیر، ۴/۱۰/۱۳۷۰.

انسـانی است که انسان بتوانـد اراده الهی را بر نفس خودش ولایت بدهـد و نفس خود را داخل ولایت اللّه کنـد. این، آن قـدم اوّل و اساسی است و تا این نشود، قدم دوم هم تحقق پیدا نخواهد کرد.

جـانب و مرحله دوم این است که محیـط زنـدگی را در ولایت اللّه داخل کنـد، یعنی جامعه، با ولایت الهی حرکت کنـد. هیچ ولایتی - ولایت پول، ولایت قوم و قبیله، ولایت زور، ولایت سنّت ها و آداب و عادات غلط - نتواند مانع از ولایت اللّه شود و در مقابل ولایت اللّه عرض اندام کند.

آن نکته ای که عرض کردم بـالخصوص در این روز وجود دارد، این است که کسـی که در این روز معرّفی شـده؛ یعنی وجود مقدّس امیرالمؤمنین، مولای متقیان (سـلام اللّه علیه)، در هر دو منطقه ولایت، یک الگو و شخصـیّت ممتاز است. هم در ولایت بر نفس خـود و بـه مهـار کشـیدن نفس خـود - که عرض کردیم این همـان بخش اصـلی است - و هم در الگـویی که او برای حکومت اسـلامی و ولاـیت الهی از خود نشان داد و تثبیت کرد، در تاریـخ نمونه ای است که هر کس بخواهـد ولایت الهی را بشـناسد، نمونه اتمّ و الگویش آنجاست. آنچه امروز برای ما به عنوان درس بایـد مطرح شود - بخصوص که جلسه ما عمدتاً از کسانی متشـکّل است که به نحوی در نظام ولایت اسـلامی مسؤولیت و دخالت و شأنی دارنـد - این است که در این دو منطقه ولاـیت که مولاـ و محبوب مـا علی بن ابی طالب (علیه الصـلاه و السـلام) در آن درخشـیده و کلمه کلمه سـخن او و قـدم قـدم حرکات او می تواند برای هر کس درس باشد، حقیقتاً مشـغول تلاش و مجاهدت شویم. یک مسأله، مسأله اسـتقرار ولایت اللّه در جـامعه است. البته این ولاـیت، در دنیـای امروز، دشـمنان زیـادی دارد که صـریحاً بـا آن دشـمنی می کننـد. از روز اوّل هم داشت؛ مخصوص امروز نیست. علّت آن هم معلوم است که چرا دنیا با جامعه ای که براساس قیمومت و ولایت

و حکومت الهی می خواهد اداره شود، مخالف است؟ در این باره صحبت شده است و همه چیز تقریباً روشن است. طبیعتاً کسانی که پایه گذاران و پایه های چنین نظامی محسوب می شوند، باید سعی کنند هر ساعت از ساعات کار و تلاششان، نسبت به ساعات قبل، به آن الگوی اصلی نزدیک تر شود. این درسِ غدیر است برای ما، در درجه اوّل.(۱)

انقلاب اسلامی، تداوم راه غدیر

امروز انقلاب اسلامی فرصت دوباره ای است که به بشریت داده شده است. این بیداری اسلامی یک فرصت دوباره است. از این فرصت ها در طول تاریخ پیش آمده، منتها کم؛ در طول تاریخ اسلام هم پیش آمده، باز هم کمتر. در دریای متلاطمی از امواج گوناگون مادّی و نابودی ارزش های اخلاقی و معنوی، ناگهان این کشتی مستقرّ ثابت نجات دهنده - کشتی اسلامی با نا خدایی اسلام و با رهبری قرآن، ظاهر شده و انسان ها را به سمت خودش دعوت کرده است. بحثِ یک حادثه کوچک نیست. یک ملّت به این کشتی نجات چسبیده اند و ملّت های دیگر هم دیدند که یک ملّت چگونه می تواند از زیر بار حکومت زور و فساد و وابستگی و دنباله رویِ طاغوت ها و مستکبران عالم، با پیروی از سفینه نجات اسلام، نجات پیدا کند.

همه بدانند و بخصوص جوان ها بیشتر توجّه کنند؛ امروز آوازه و نشانه ها و انعکاس های بسیار مؤثّر و کارآمد فریاد انقلاب در دنیا بسیار عمیق شده است. البته از تبلیغات مخالفانی که از فریاد اسلام به وحشت افتاده اند،

۱- ۵۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسؤولان کشوری و لشکری، به مناسبت «عید غدیر» ۱۹/۳/۱۳۷۲.

انتظاری نیست که این بازتاب های جهانی را منعکس کنند. آنها عکسش را منعکس می کنند؛ لیکن حقیقت قضیه این است که عرض می کنم: تا اعماق جان انسان ها - آن هم در چهار گوشه عالم؛ نه فقط در دنیای اسلام - بازتاب حرکت ملّت ایران منعکس شده است. در بسیاری از کشورها - و در کشورهای اسلامی، بیشتر - جوان ها به ندای اسلام دل بسته اند. در دوره قبل از انقلاب اسلامی و قبل از تشکیل حکومت اسلامی در اینجا، این دلبستگی وجود نداشت.

این تداوم راه غدیر است. این مطرح کردنِ یک خطّ روشن برای بشریت است تا در سایه این خطّ روشن، هر چه زودتر به آن سرانجامی که همه پیغمبران مژده اش را داده اند، برسد. همه پیغمبران و مصلحان عالم این نوید را به بشریت داده اند که یک روز نجات خواهد یافت.(۱)

ولایت امام خمینی، پرتوی از چشمه فروزنده خورشیدی غدیر

امروز وقتی به دنیای اسلام نگاه می کنید، می بینید که بیداری مسلمانان در همه نقاط مسلمان نشین عالم و در کشورهای اسلامی به برکت بیداری ملّت ایران است، و ملّت ایران به برکت رهبری امام بزرگوار - که جان خود را به میدان آورد، سینه خود را در مقابل تیرهای دشمن سپر کرد و صادقانه حرف زد و صادقانه عمل کرد - پا در این میدان عظیم گذاشت. دنیایی که می خواهد ملل مسلمان را ذلیل ببیند، ملّت ایران به برکت رهبری شجاعانه و مخلصانه ای که امام بزرگوار نشان داد، عزّت خودشان را بر اینها تحمیل

۱- ۵۴. بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضاعلیه السلام در مشهد مقدّس ۶/۱۰/۱۳۷۹.

کردنـد. ولایت امام (رضوان اللّٰه علیه) پرتوی از چشـمه فروزنـده خورشـیدی غـدیر بود؛ لـذا توانست این همه آثار را به وجود بیاورد، ملّت را بیدار کند، ایران را بازسازی معنوی و مادی بکند.(۱)

بیست و دوم بهمن در حکم عید غدیر

بیست و دوم بهمن، عیـد حقیقی برای ملّت ماست. بیست و دوم بهمن، برای ملّت ما در حکم عیـد فطری است که ملّت در آن، از یک دوران روزه سخت خارج شد؛ دورانی که محرومیت از تغذیه معنوی و مادی را بر ملّت ما تحمیل کرده بودند. بیست و دوم بهمن، در حکم عیـد قربـان است؛ زیرا در آن روز و به آن مناسـبت بود که ملّت مـا اسـماعیل های خودش را قربانی کرد. بیست و دوم بهمن، در حکم عیـد غـدیر است؛ زیرا در آن روز بود که نعمت ولاـیت، اتمـام نعمت و تکمیل نعمت الهی، برای ملّت ایران صورت عملی و تحقّق خارجی گرفت.(۲)

ضرورت استفاده حداکثری از غدیر

ما، بخصوص کسانی که پای بنـد به غـدیریم، مسأله غدیر را اساس اعتقادات خود می دانیم. اصـلاً شـیعه، مسأله غدیر را پایه و ریشه عقاید شیعی خود

۱- ۵۵. بیانات در دیدار مردم پاک دشت، در سالروز عید سعید غدیر ۱۰/۱۱/۱۳۸۳.

۲- ۵۶. سـخنرانی در دیـدار بـا جمعی از علمـا، مسؤولاـن و مردم شـهرهای لاهیجـان و ربـاط کریم، جمعی از دانش آموزان و فرهنگیـان اسـتانهای تهران و کرمـان و مازنـدران، رئیس و مسؤولان سازمان ثبت احوال، جمعی از مسؤولان و مـدیران سازمان مسکن ۰۴/۱۱/۱۳۶۸.

می داند. ما باید از این قضیه حد اکثر تبعیّت و استفاده و پیروی را بکنیم. در دوران طاغوت - که روز عید غدیر معمول بود - می خواندیم: «الحمدللّه الّذی جعلنا من المتمسّکین بولایه امیرالمؤمنین و الائمهعلیهم السلام» این تمسّک به ولایت، آن روز در اعتقادات و عواطف بود؛ امّا در عمل که ولایتی نبود. در عمل ولایتِ طاغوت بود؛ ولایتِ استکبار بود؛ ولایت دشمنان دین بود. آن روز دوستان ما می خواندند: «اللّهمّ اجعلنا من المتمسّکین بولایه امیرالمؤمنین» یعنی از خدا می خواستند که متمسّک به ولایت امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام) باشند. امروز این دعا مستجاب شده است. ملّت ایران، امروز با نظام اسلامیی که به تدبیر امام بزرگوار، از حاقِ قرآن و دین استخراج شد و در این کشور به اجرا درآمد، به ولایت امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام) تمسّک کرده است. این تمسّک را باید هرچه بیشتر کنیم. اساس کارِ تمسّک به ولایت هم، تمسّک به ارزش های اسلامی است. هرچه را که در اسلام ارزش است، باید درصدد باشید در عمل جذب کنید. چه ارزش های فردی - مثل آنچه که به رابطه و علقه هر کس با خدای خود ارتباط پیدا می کند.(۱)

مسؤولیت مسؤولان در قبال غدیر

امروز ما - هم مسؤولانمان، هم مردممان - در قبال مسأله غدیر مسؤولیم. مسؤولان کشور باید سعی کنند اعمال و رفتار و حرکات و سکنات

ص:۸۱

۱- ۵۷. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، به مناسبت «عید غدیر» ۳/۸/۱۳۷۳.

و برنامه ریزی هایشان را به گونه ای تنظیم کنند که با هدف های اسلام - که همان هدف های غدیر است - تطبیق کند. اگرچه همه دنیا، بخصوص کمپانی های صهیونیستی و قدرتمندان و زر سالاران عالم، ناراحت شوند و هجمه تبلیغاتی کنند، باکی نیست. امروز پایه انقلاب مستحکم است و این توفان ها نمی تواند این بنای شامخ را متزلزل کند. از چه چیزی می ترسند؟ ملاحظه چه چیزی را می کنند؟ بعضی کسان در برنامه ریزی هایشان، در اجرای شان، در تصمیم گیری هایشان، در حرف زدن هایشان و در موضع گیری هایشان، دائماً مواظبند که نکند فلان رادیوی گوشه دنیا - که به فلان دستگاه جاسوسی وابسته است - علیه این صحبت یا علیه این شخص حرفی بزند! خوب؛ بزند.

امروز پیام اسلام، پیام جذّابی است. پیام ما، پیام عدالت است؛ پیام ما، پیام نجات انسان ها و نجات جوان هاست. وقتی ما اسم جوان را می آوریم، فقط به جوان های جامعه خودمان نگاه نمی کنیم. امروز نسل جوان در دنیا غرق در بدبختی و نابسامانی است. رنج ها، فشارهای روحی و عصبی و ابهام آینده، امروز نسل های جوان را در سرتاسر دنیا بر اثر دوری از معنویت، زیر فشار قرار می دهد.

مسؤولان، به نام اسلام، برای اسلام، با پیام اسلام، شجاعانه، قدرتمندانه و بدون ملاحظه این و آن، هم موضع گیری کنند، هم حرف بزنند و هم عمل کنند. مردم عزیزمان و بخصوص جوان ها هم به برکت غدیر، بدانند این راهی که اسلام و قرآن و خطّ غدیر ترسیم کرده، یک راه روشن است؛ راهی است که با استدلال و فلسفه مستحکمی ترسیم شده و روندگان بسیار بزرگ و عظیم

المنزلتی پیدا کرده است. امروز هم خوشبختانه این راه در دنیا مطرح است و دیگر ما در تنهایی و عزلت نیستیم. امروز ما در مرکز و محور توجّه مردم جهان - بخصوص کشورهای اسلامی - هستیم. راه، راه خوش عاقبت و روشنی است؛ با تلاش مسؤولان و با امید و پشتیبانی قشر های مختلف مردم بایستی قدم به قدم این راه را طی کنیم و پیش برویم. این راه گرچه کوتاه مدت نیست، امّا همان راهی است که بالاخره به نجات بشریت منتهی خواهد شد. همان راهی است که ان شاء اللَّه زمینه های ظهور مهدی موعود (صلوات اللَّه علیه و عجل اللَّه فرجه) را فراهم خواهد کرد.(۱)

دو مفهوم مهم غدیر

آنچه که امروز بنده مناسب می بینم در باب مسأله غدیر به شما برادران و خواهران که مسؤولین کشور هستید و همچنین به ملّت عزیزمان با اختلاف مذاهبی که دارند - و امّت بزرگ اسلامی عرض کنم، این است که غدیر، واقعیّتی است که اتفاق افتاده است و مفهومی هم دارد که ممکن است یک نفر این مفهوم را درک کند یک نفر دیگر، درک نکند. ما که شیعه هستیم، معنای غدیر را همان چیزی می دانیم که در طول این هزار و چهارصد سال بازگو کرده ایم، تحقیق کرده ایم، نوشته ایم و آن را در جان و دل خودمان ثبت و ضبط کرده ایم. دیگران و بقیه فِرق اسلامی هم، هر کدام نظرات خودشان را دارند.

۱- ۵۸. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در سال روز عید سعید غدیرخم ۲۴/۱۲/۱۳۷۹.

در مورد ماجرای غـدیر، دو چیز هست که جامعه ایرانی و همه شـیعیان در نقاط مختلف عالم و کشورهای گوناگون، باید آنها را با هم مورد توجّه قرار دهنـد. یکی این است که اعتقاد به غدیر، ولایت و امامت - که رکن اصلی مذهب شـیعه است - باید مثل بقیه مباحث مهم کلامی، مایه اختلاف بین مسلمانان نشود. نه شـیعه و نه غیر شیعه از فِرق اسلامی، نسبت به این مسأله این حالتِ حساسیت را به وجود نیاورنـد که در میان خودشان اختلاف و تفرقه بیندازنـد؛ چون این چیزی است که دشمن می خواهد. حالا قضیه غدیر - که قضیه مهم و بزرگی است - دشمنان اسلام حتی از قضایای کوچک مربوط به هر یک از فرق و جماعات اسلامی، می خواهند برای ایجاد اختلاف استفاده کند.

به کشورهای اسلامی نگاه کنیـد! همه جا وسایل برای تفرقه افکنی هست. یک عـدّه هم، حقیقتاً در این بین، سرشان کلاه می رود؛ یعنی فریب می خورنـد، بازی می خورنـد و بازیچه دست دشـمن می شونـد. امروز امّت اسلامی، بایـد متّحد باشد. نقاط اتّحاد و اجتماع زیادی هست که همیشه باید آنها را در نظر داشته باشیم.

مطلب دومی که بایـد مورد نظر باشد، اصلِ خودِ مفهوم حدیث غدیر و حادثه غدیر است که باید مغفولٌ عنه واقع نشود. ما البته به همه فرق اسلامی این سفارش را می کنیم، نه اینکه فقط به شیعه بخواهیم بگوییم «آقا غـدیرت را فراموش نکن!» ما به همه فرق اسلامی می گوییم: «مبانی تان را فراموش نکنیـد». در اینجا به شیعه تأکید می کنیم که بر اندیشه و فکر غدیر، تکیه کند. این، یک فکر مترقّی است. اگر ما می گوییم «اتّحاد اسلامی» و پایش هم می ایستیم (ما با

همه قدرت، پای موضوع وحدت اسلامی، در مقابل دشمنان وحدت ایستاده ایم) نباید تصور شود که این مفهوم مهم، مترقّی، اصلی و نجات بخش اسلامی، یعنی مفهوم ولایت و غدیر را فراموش خواهیم کرد.

موضوع غدیر نباید فراموش شود؛ چون مسأله خیلی مهمی است.(۱)

۱- ۵۹. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران، به مناسبت «عید غدیرخم» ۲۸/۲/۱۳۷۴.

فهرست منشورات غدیر

سلسله مباحث یادمان غدیر

نام کتاب

نویسنده / مترجم

صفحه

قطع

غدیرشناسی و پاسخ به شبهات

علی اصغر رضوانی

۲۷۲

وزیری

آیات غدیر

علی اصغر رضوانی

۷۲

رقعی

پیروان غدیر در گذر تاریخ

علی اصغر رضوانی

۹۶

رقعی

پیمان شکنان و وفاداران غدیر

علی اصغر رضوانی

۷۲

رقعی

غدیر محور وحدت اسلامی

علی اصغر رضوانی

۶۴

رقعی

مفهوم غدیر

علی اصغر رضوانی

۱۰۴

رقعی

غدیر

نام کتاب

نویسنده / مترجم

صفحه

قطع

ص:۸۶

اتحاد ملی انسجام اسلامی در آموزه های غدیر

علی اصغر رضوانی

۱۶۰

رقعی

غدیر در گذر تاریخ

علی تقوی دهکلانی

۸۸

رقعی

غدیر حقیقتی بر گونه تاریخ

رضا فرهادیان

۵۶

رقعی

فرهنگ غدیر

جواد محدّثی

۶۵۶

وزیری

ندای ولایت در اولین کنگره غدیر

بنیاد بین المللی غدیر قم

۸۰

پالتویی

ندای ولایت در دومین کنگره غدیر

بنیاد بین المللی غدیر قم

۸۴

پالتویی

ندای ولایت در سال نوآوری و شکوفایی

حسین احمدی

۴۸

پالتویی

ندای ولایت و مهدویت

حسین احمدی

۹۴

رقعی

غدیرخم (آذری لاتین)

علی اصغر رضوانی

۴۸

پالتویی

غدیرخم (روسی)

علی اصغر رضوانی

۴۶

پالتویی

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www


برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹